

## عنوان مقاله:

جهانی شدن در جامعه اطلاعاتی و راهکارهای مقابله با اثرات آن در فرهنگ ایرانی - اسلامی

(1) فرهود گل محمدی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و فارغ التحصیل دکترا - دانشگاه آزاد

اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران (ارائه کننده و مسئول مکاتبات).

(2) محمد کریم معتمد، معاونت دانشجویی و فرهنگی و استادیار - دانشگاه گیلان.

## چکیده:

جهانی شدن پدیده ای است که از روزگاران دور در نهادهای اجتماعی ملل وجود داشته است و هر زمان به گونه ای و در قالبی دگرگون خود را نشان داده است. زمانی که کشت و صنعت توسعه یافت انسان برای رفع نیازهای خود مجبور به مبادله کالاها و خدمات گردید و با عبور از فراز مرزها و تمدن ها، ملل و فرهنگ های پراکنده تجارت را برقرار کرد. امروزه با انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات، این تجارت در قالب دنیای کوچک که دهکده جهانی نامیده می شود، انجام می گیرد. پیامبران و اندیشمندانی مانند پیامبر اسلام، زردشت، کنفوسیوس، سقراط، افلاطون، رازی، ابن سینا، فارابی، فردوسی، خواجه نصیر طوسی، خیام، مولوی، سعدی، حافظ و ... از گذشته بسیار دور پیوسته به سرنوشت جهان و یکپارچگی آن اندیشیده اند. نتیجه اندیشه، تجربه و یافته های آنها در سراسر جهان پراکنده و در دانشگاه های معتبر جهان به صورت نظرات جهان شمول تدریس شده و می شود. در این مقاله، پس از ارائه مختصری از تاریخچه جهانی شدن و بیان نظرات اندیشمندان گوناگون در این زمینه، جامعه اطلاعاتی و اثرات آن در جامعه جهانی، انواع جهانی شدن، نابرابری ها در این فرایند، پروژه یا پروسه بودن جهانی شدن، تعاریف فرهنگ، فرهنگ پذیری و تغییر فرهنگی، هویت ملی، تأثیرات جهانی شدن بر مسلمانان و کشورهای جنوب و جهان سوم و بالعکس، نظرات اسلام در جهانی شدن و ... می پردازد و در پایان به نتیجه گیری از موارد ذکر شده در کشورهای گوناگون جهان و بیان توصیه های کاربردی در شرایط کشور ایران و فرهنگ ایران زمین می پردازد.

کلمات کلیدی: جهانی شدن، فرهنگ، اسلام، نابرابری، هویت ملی، ایران.

آدرس منزل فرهود گل محمدی: استان اصفهان، شاهین شهر، خیابان فردوسی، فرعی 9 شرقی، پلاک 16.

کد پستی: 8314773591 تلفن: 03125245914 و 09133261040

## اشاره:

من می خواهم فرهنگهای تمامی گیتی بر دور خانه ام بوزند و نفسی تازه کنند، آزادانه تا حدی که ممکن است. با این همه، من اجازه نمی دهم هیچ کدام از آن وزش ها بر پاهایم چیره شوند. از مهاتما گاندی

## مقدمه

از جهانی شدن (globalization) تعاریفی گوناگون ارائه می شود که دلیل آن می تواند چند وجهی بودن فرآیند جهانی شدن، فراگیر بودن این پدیده، و جدید و نوپا بودن نظریه پردازی و مطالعات مربوط به آن باشد تعاریف عرضه شده از پدیده جهانی شدن بسیار متنوع اند از جمله: (افزایش وابستگی و در هم تنیدگی جهانی)، (فرآیند غربی کردن و همگون سازی جهان)، (ادغام همه جنبه های اقتصادی در گستره جهانی)، (پهناتر شدن گستره تأثیر گذاری و تأثیر پذیری کنشهای اجتماعی)، (کاهش هزینه های تحمیل شده توسط فضا و زمان) و ... سیر تاریخی اندیشه های جهانی شدن را می توان به سه احتمال مطرح کرد:

- جهانی شدن فرایندی است که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته است و از همان زمان تأثیرات آن رو به فزونی بوده است، اما اخیراً یک شتاب ناگهانی در آن پدید آمده است.  
- جهانی شدن با نوگرایی و توسعه سرمایه داری همزمان بوده است اما اخیراً در آن شتاب ناگهانی بوجود آمده است.

- جهانی شدن یک پدیده متأخر است که با سایر فرآیندهای اجتماعی نظیر فرا صنعتی شدن، فرا نوگرایی یا شالوده شکنی سرمایه داری همراه است.

آنچه که مسلم است، واژه جهانی شدن تا دهه 1980 در محافل دانشگاهی چندان به رسمیت شناخته نمی شده و در لغتنامه آکسفورد (1990 . 133) خاطر نشان می کند که کاربرد علمی (جهانی شدن) متأثر از نظریه مارشال مک لوهان درباره (دهکده جهانی) است که در کتاب اکتشافات در ارتباطات (1960) مطرح شده است.

فرآیند جهانی شدن با چند پدیده و عامل دیگر گسترش بیشتری یافته است که عبارتند از: پول، تکنولوژی، حمل و نقل و رسانه های الکترونیک. به نظر می رسد رسانه های الکترونیک همچون اینترنت و ماهواره و ... سرعت این پدیده را زیاد کرده است. (ادریسی، 1. 1383. صص: 2-3).

مالکوم واترز معتقد است واژه های Globalization, Globalize و Globalizing از

دهه 1960 رواج یافته است. مجله اکونومیست در تاریخ 1959/4/4 ترکیب سهمیه جهانی ( = Globalized Quota ) را در مورد واردات اتومبیل ایتالیا به کار برد. Globalism و Globalization اولین بار در سال 1961 وارد فرهنگ و بستر شد و اول بار مقاله ای با این عنوان در سال 1962 در نشریه Spectator به نگارش درآمد. واترز جهانی شدن را چنین تعریف می کند: « جهانی شدن فرایندی اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده از بین می رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می شوند. » رونالد رابرتسون یکی از صاحب نظران عمده جهانی شدن آنرا « عام شدن خاص و خاص شدن عام » می داند. چرا که جنبه های کلان زندگی با وجه محلی یعنی جنبه های خرد برخورد می کند. در این تقابل خود ( هویت فردی ) و جوامع ملی از یکسو با بشریت به عنوان یک کل و نظام جهانی جوامع از سوی دیگر رو در رو قرار می گیرند. آنتونی گیدنز جهانی شدن را چنین تعریف می کند: « جهانی شدن به معنای گسترش روابط اجتماعی و اقتصادی در سراسر جهان است. در یک نظام جهانی جنبه های متعددی از زندگی مردم از سازمانها و شبکه های اجتماعی تأثیر می پذیرند که هزاران کیلومتر از آنها دور هستند. در این وضعیت جهان را باید به عنوان یک نظام واحد قلمداد کرد. »

هاروی معتقد است جهانی شدن همان تراکم زمان و مکان است؛ بدین ترتیب که هر اتفاقی در هر گوشه دنیا به سرعت به اطلاع همگان می رسد و عملاً زمان و مکان معنای خود را از دست داده است.

این که جهانی شدن دقیقاً از چه تاریخی شروع شده است به دیدگاه افراد بستگی دارد به عنوان مثال محمد حسین رفیعی شروع روند را به 3000 سال پیش و دوره اسکندر مقدونی و فراعنه مصر مربوط می داند که امپراطوری ها قصد گسترش و جهان گشایی داشتند. برخی شروع جهانی شدن را پیدایش ادیان می دانند که داعیه جهانی شدن داشتند. امیر عماد میر میرانی به ضیافت غیر رسمی دکتر کلاوس شواب ( Klaus Schwab ) در دهکده داووس سوئیس به سال 1970 به عنوان سراغاز دوران مدرن جهانی شدن اشاره می کند.

مسئله جهانی شدن در نظرات جامعه شناسان کلاسیکی چون سن سیمون، دورکیم و وبر و مارکس نیز دیده می شود. سن سیمون، صنعتی شدن را عامل پیشبرد رفتارهای مشابه درون فرهنگهای متفاوت می دانست. تسریع چنین امری به نوعی انترناسیونالیسم می رسد که فلسفه ای جهانی و مبتنی بر انسانیت دارد. نظرات سن سیمون از طریق کنت به دورکیم رسید. به نظر دورکیم جوامع از لحاظ ساختاری با یکدیگر تفاوت دارند ولی با صنعتی شدن نهادهایی همچون دولت تضعیف می شوند چرا که دولتها تنگ نظر و متعصب هستند. در نهایت صنعتی شدن تعهدات

جمعی را از بین می برد و موجب کاهش اهمیت مرزها می شود. وبر هم که بحث عقلانیت را مطرح می کند به وجود آن در تمام فرهنگها اشاره دارد. ولی تنها نظریه پرداز کلاسیک که صریحاً به جهانی شدن اشاره می کند مارکس است. به نظر مارکس با به قدرت رسیدن پرولتاریا استثمار فرد از بین می رود و در نتیجه استثمار ملل هم محو می شود.

مارتین آلبرو جهانی شدن را با ملی شدن (Nationalization) مقایسه می کند. به نظر او جهانی شدن فرایندی است که طی آن اقتصاد، فرهنگ و سیاست و عوامل آن جهانی می شوند. در این فرایند یک افق جهانی در ورای مرزهای فرو ریخته تشکیل می شود، مصادیق طبیعت به فرآورده های فرهنگی قابل تبدیل می شوند، به یمن شبکه های جهانی و دسترسی آسان و ارزان به فرآورده های قدرت تحولات عظیمی در ساختار قدرت به وجود می آیند و خرده گفتمان های جدیدی نشو و نما می یابند. این روندها موجب تولید شرایط جدیدی می شوند: از بین رفتن مرزها، سرزمین زدایی (DetritORIZATION) و مکان زدایی (Delocation)، جهانی شدن اقتصاد و اقتصادی شدن جهان و سرمایه ای شدن اقتصاد، جهانی شدن کنش اجتماعی.

رابرتسون نیز مدلی برای جهانی شدن ارائه می کند و این روند را به پنج بخش تقسیم می کند:

\* مرحله اول: **نطفه ای**. مربوط به قرن 15 تا 18 در اروپا. در این دوره رویدادهای مهمی اتفاق افتاده است که عبارتند از آغاز رشد اجتماعات ملی، نزول نظام فراملی، قرون وسطی، گستردگی حیطه نفوذ کلیسا، نظریه خورشید محوری جهان، پیدایش جغرافیای جدید، گسترش تقویم گریگوری، جهانی شدن کاملاً حالت نطفه ای دارد و هیچ اثری از جهانی شدن دیده نمی شود.

\* مرحله دوم: **آغاز جهانی شدن**. در نیمه اول قرن 18 تا 1870 (اساساً در منطقه اروپا). رویدادهای مهم عبارتند از: گرایش شدید به ایده دولت واحد همگن. تبلور انگاره روابط رسمی و فرد به عنوان شهروند. گسترش میثاقهای بین المللی.

\* مرحله سوم: **خیزش**. در دوره زمانی 1870 تا 1920. رویدادهای مهم عبارتند از: ترازبندی اولیه موضوع تجدد، رسمیت مفهوم بشریت در سطح بین المللی، جهانی شدن محدودیت های مربوط به مهاجرت، پیدایش رمان های بیت المللی، رشد جنبش های وحدت جهانی و مسابقات جهانی مانند المپیک و جایزه های همچون نوبل، نخستین جنگ جهانی. همان طوری که دیده می شود در این دوره نقطه عطفی در مورد جهانی شدن است و اکثر رویدادها جنبه بین المللی دارد.

\* مرحله چهارم: **مبارزه برای هژمونی**. در دوره زمانی 1920 تا 1960. رویدادهای مهم عبارتند از: منازعه و جنگ برای تسلط جهانی، تأسیس جامعه ملل و سازمان ملل، تثبیت استقرار ملی و جنگ سرد.

\* مرحله پنجم: **بلا تکلیفی**. شروع از اواخر دهه 1960. رویدادهای مهم عبارتند از: بالاگرفتن آگاهی نسبت به جهان، قدم گذاشتن اولین انسان روی کره ماه، تحکیم ارزشهای پسامادی گری، پایان جنگ سرد، فزایش نهضت های جهانی، پیچیده تر شدن مفهوم فرد به واسطه طرح مفاهیم جنسی، قومی و نژادی، حقوق مدنی و جهانی. رشد اسلام گرای به مثابه جنبش ضد جهانی شدن و نشست ریودوژانیرو.

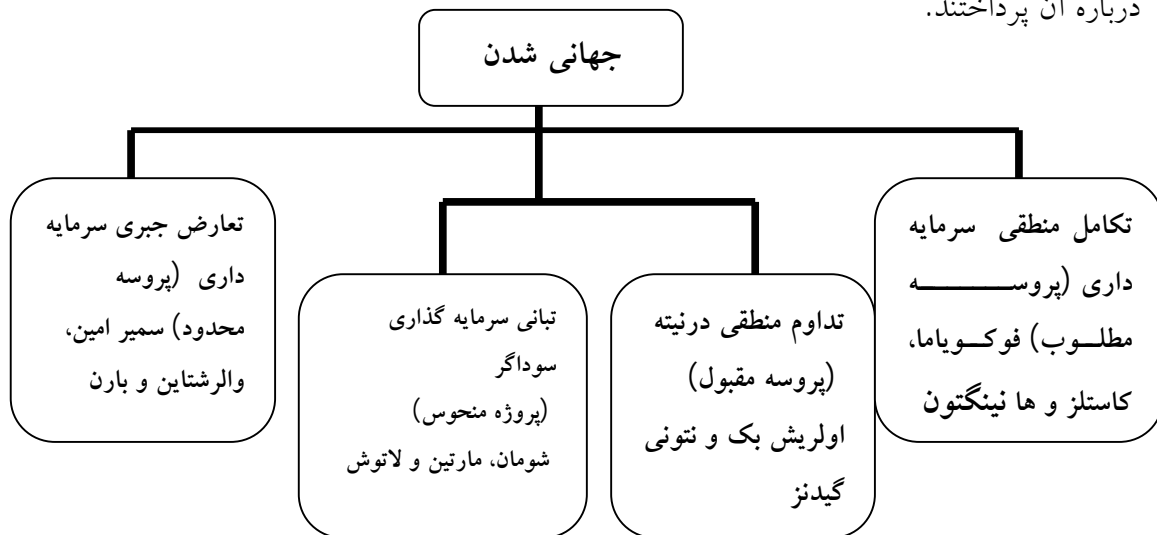
فوکویاما معتقد است که بشر به نوع حکومت مطلوب دست یافته است و کلیه دولت ها در پی رسیدن به لیبرال موکراسی یا همان نوع حکومت ایالات متحده هستند. به نوعی می توان گفت پس از پایان جنگ سرد و محو کمونیسم در شوروی هژمونی لیبرال دموکراسی تفکر غالب در سیاست جهان است و فوکویاما مبلغ آن.

به هر روی، هر یک از صاحب نظران یکی یا چند مورد از فرآیندهای جهانی شدن را به عنوان تعریف جهانی شدن به کار می برد. همین مسئله ابهام در تعریف را بیشتر می کند. از جهانی شدن با عناوین قرن دهکده الکترونیک جهانی، پیدایش قبیله جهانی، انقلاب اطلاعاتی، فشردگی مکان و زمان، گسترش جهان آگاهی، پایان جغرافیا و عصر سبیرنتیک یاد می شود. هر کدام از این اصطلاحات به وسیله یکی از صاحب نظران ارائه شده است. ولی مسئله در اینجا است که هر یک از این پدیده ها و فرایندها مانند هر پدیده اجتماعی از این دست رابطه ای دیالکتیک با جهانی شدن دارد. بدین صورت که مشخص نیست جهانی شدن به معنای پایان جغرافیا و از میان رفتن مرزهای جغرافیایی است یا برعکس. در این میان آنچه مشخص است تغییر سطح کلان تحلیل علوم اجتماعی از فرد، ساختار و ملل جهان است. بدین معنی که در تحلیل پدیده ها و رویدادها باید جهان را به صورت یک کل در نظر گرفت و طرح مسئله را در این کل انجام داد.

### جهانی شدن پروژه یا پروسه؟

اکنون سؤالی که مطرح می شود پروسه (= فرایند، فراگرد، Process) بودن جهانی شدن است یا پروژه (= طرح، نقشه، Project) بودن آن. بدین صورت که آیا جهانی شدن یک روند و فرایند اجتناب ناپذیر است که بشریت آنرا تجربه می کند یا آنکه جهانی شدن طرحی است هدفمند که به وسیله عده ای خاص برنامه ریزی شده است. یکی از بهترین جمع بندی های چارچوب نظری در این مورد به وسیله قدیر نصری انجام شده که در نمودار 1 تصویر شده است. نظریه پردازانی که جهانی شدن را به صورت یک طرح می بینند معمولاً از آن به عنوان جهانی سازی یاد می کنند. قدیر نصری آغاز جهانی سازی را ارسال میسیونرهای مذهبی به کشورهای افریقایی و آسیایی می داند. جهانی سازی به مفهوم جدید بیشتر غربی شدن، امریکایی شدن و استعمار از

طریق کوکاکولا می باشد چرا که در این مفهوم یک کشور فرهنگ، ارزش ها و باورهای خود را کنار می گذارد و به طور مستقیم فرهنگ غربی یا امریکایی را جایگزین فرهنگ خود می کند. بدین ترتیب بدون آنکه روند غرب را در رسیدن به وضعیت فعلی تجربه کرده باشد، مصرف کننده کالاهای غربی خواهد شد. استعمار از طریق کوکاکولا هم به همین مفهوم دلالت می کند. کشور استعمارگر به جای حمله مستقیم نظامی و اشغال یک کشور با استفاده از مصادیق فرهنگی خود کشور مستعمره را تحت نفوذ خود در می آورد. بدین ترتیب سلاح، دیگر توپ و تانک نیست بلکه کوکاکولا و فروشگاه های زنجیره ای مک دونالد است. جرج ریتز اصطلاح مک دونالدیزه شدن را به کار می برد (برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به بنیان های جامعه شناسی نوشته جرج ریتز) بسیاری از مارکسیست ها نیز به انتقاد از جهانی شدن پرداخته اند و معتقدند اگر امپریالیسم را مرحله آخر سرمایه داری بدانیم، جهانی شدن آخرین مرحله امپریالیسم است. جهانی شدن سرمایه داری را لخت و عریان به نمایش می گذارد و مردم با چهره حقیقی آن آشنا می شوند. در کل سه نظریه عمده از طرف مارکسیست ها مطرح شده است: امپریالیسم نو و فرهنگی، نظریه وابستگی و نظم نوین جهانی. این سه نظریه نابرابری های آشکار جهانی را مطرح کردند و به چاره اندیشی درباره آن پرداختند.



### نمودار 1. طیف متفاوت دیدگاه متفکران در مورد جهانی شدن

نظریه امپریالیسم اول بار به وسیله هابسن مورخ انگلیسی مطرح شد و لنین رهبر شوروی آن را مورد استفاده قرار داد. به نظر هابسن استعمار همواره به دنبال بازارهای جدید برای فروش کالاهای خود است چرا که کمتر کشوری یافت می شود که کلیه تولیدات خود را بتواند مصرف کند. تلاش دائمی چنین نظامی یافتن بازارهای جدید برای فروش کالا و پیدا کردن شیوه های تولید ارزان یا منابع مواد خام و نیروهای کار ارزان در سایر کشورهاست. امپریالیسم به توسعه

اقتصادی غرب کمک کرد ولی سایر نقاط جهان را به فقر کشاند چرا که این مناطق را از منابع تهی کرد. مؤلفان بعدی امپریالیسم یا آنچه که ما به نام امپریالیسم نو می شناسیم اصل اندیشه خود را از لنین و هابسن گرفتند و آنرا امروزی تر کردند. کشورهای استعمارگر قدیمی و امپراطوری ها تقریباً از بین رفته اند ولی شیوه های نوین امپریالیسم جایگزین شده است به طوریکه کشورهای غربی همچنان موقعیت ممتاز خود را حفظ کرده اند. نظریه پردازان امپریالیسم فرهنگی معتقدند که تسلط اقتصادی و سیاسی به پایان رسیده است اما تسلط فرهنگی ادامه دارد. مردم کشورهای جهان سوم به تقلید از سبک غربی پرداخته اند و کشورهای غربی در راستای هدف های خود کمک زیادی به دولت های این کشورها کرده اند؛ به عنوان مثال هزینه های زیاد مصرف شده برای روزآمد کردن رادیو و تلویزیون ایران در دوره گذشته به گسترش فرهنگ مصرف گرایی میان مردم منجر شده است.

نظریه وابستگی در ابتدا در مورد تحولات امریکای لاتین به کار رفت. به اعتقاد نظریه پردازان وابستگی جامعه جهانی به شیوه ای نابرابر توسعه یافته است. به گونه ای که هسته اصلی جهان صنعتی (ایالات متحده امریکا، اروپا و ژاپن) نقشی مسلط دارند و کشورهای جهان سوم وابسته به آن هستند. بدین ترتیب دنیا به دو بخش کشورهای هسته و وابسته تقسیم می شود. وابستگی کشورهای توسعه نیافته به مدت و چگونگی استعمار آنها بستگی دارد. این کشورها به خصوص در امریکای لاتین به دلیل حضور نیرومند کشاورزی سنتی از غافله کشورهای صنعتی باز ماندند و از نظر کالاهای صنعتی کاملاً وابسته شدند. آندره گندرفرانک عبارت توسعه نیافتگی را برای توصیف تکامل کشورهای جهان سوم ابداع کرده است. به اعتقاد فرانک کشورهای ثروتمند یک مادرشهر (Metropolitan Center) را تشکیل می دهند که کشورهای اقماری (Satellite) پیرامون آن گرد آمده اند.

نظریه نظم جهانی اول بار به وسیله امانوئل والرشتاین مطرح شد و کوششی بود برای تبیین نابرابری در جهان. بنابر نظریه والرشتاین از قرن 16 به بعد، یک نظام جهانی پدیدار شده و در سراسر جهان گسترش یافته است. این نظام بر یک اقتصاد جهانی سرمایه داری مبتنی است. ساختار شکل گرفته شامل سه دسته کشورهای مرکزی، پیرامونی و نیمه پیرامونی است. توضیح این که این تقسیم بندی والرشتاین بسیار شبیه به فرانک و به نوعی تکامل یافته دیدگاه وابستگی است. کشورهای مرکز شورهای هستند که مؤسسات اقتصادی نوین در آنها شکل گرفت و پیش از سایر کشورها گام در راه صنعتی شدن نهادند. نواحی مرکز دارای یک رشته صنایع تولیدی نو و کشاورزی پیشرفته و حکومت متمرکز بودند. جوامع جنوب اروپا در اطراف دریای مدیترانه (مانند اسپانیا) به صورت نیمه پیرامونی مرتبط با کشورهای مرکزی درآمدند. آنها انواع روابط تجاری با

کشورهای مرکز داشتند ولی اقتصاد آنها به حالت رکود باقی ماند. محصولات کشور مرکز از طریق کشورهای نیمه پیرامونی به حوزه بیرونی فرستاده می شد که در نهایت در کشورهای افریقا و آسیا به تشکیل کشورهای پیرامونی انجامید. در شرایط حاضر ایالات متحده و ژاپن هسته اصلی مرکز هستند. از دیدگاه والرشتاین سرمایه (چه اقتصادی چه انسانی) گرایش به سمت مرکز دارد یعنی انباشت سرمایه در مرکز صورت می گیرد کشورهای نیمه پیرامونی نقش ضربه گیر را برای کشورهای مرکز دارند؛ چرا که موجب می شوند تا کشورهای پیرامونی تفاوت عظیم خود را با مرکز نبینند و همین موضوع جلوی شورش آنها را می گیرد.

یکی دیگر از جنبش های مخالف جهانی شدن حرکات مذهبی در قالب بنیادگرایی دینی است. این گروه معتقدند که یک طرح هدفمند در پی از بین بردن ارزش های حاکم بر جوامع است. به اعتقاد این گروه، جهانی شدن پروژه ای است قابل اجتناب که در حوزه ایدئولوژی و فرهنگ می توان با آن مقابله کرد.

گیدنز جهانی شدن از پایین و جهانی شدن از بالا را مطرح می کند. جهانی شدن از پایین به معنای تحولات فرهنگی و اجتماعی است که به دلیل جنبش های مردمی و ارتباطات شکل گرفته است و جهانی شدن از بالا به معنای جهانی شدن اقتصادی و افزایش شرکت های فراملیتی است.

### ابعاد جهانی شدن

کلیه صاحب نظران به جهانی شدن در سه عرصه اقتصاد، سیاست و فرهنگ توجه دارند و به تحلیل جهانی شدن در هر یک از این سه عرصه می پردازند. تونی فیتزپترک سیاست اجتماعی را به این سه عرصه می افزاید. شاید بتوان جهانی شدن اطلاعات را با توجه به مفهوم فراگیر اطلاعات به این چهار مورد اضافه کرد. البته لازم به ذکر است که اقتصاد، سیاست و فرهنگ مفاهیم کاملاً مجزا از یکدیگر نیستند و در یک جامعه ارتباط کاملاً منطقی بین آنها برقرار است.

### - جهانی شدن اقتصاد

مهمترین عرصه جهانی شدن اقتصاد است؛ چرا که جهانی شدن اقتصادی تا حد زیادی صورت گرفته و اکثر موافقت ها و مخالفت ها با بحث جهانی شدن در این جنبه مطرح است. مهمترین نمود جهانی شدن اقتصادی حضور فزاینده شرکت های چند ملیتی و فراملیتی است که درصد زیادی از تولید و تجارت جهانی را در دست دارند. آمار نشان می دهد که تعداد شرکت های فراملیتی از حدود سه هزار در اوائل دهه 1990 به بیش از 200 هزار شرکت در حال حاضر رسیده است. جمع فروش 350 شرکت غول پیکر رقمی در حدود یک سوم تولید ناخالص ملی کشورهای



پیشرفته می باشد. یک چهارم سرمایه دنیا و سه چهارم سرمایه مستقیم خارجی در جهان متعلق به 300 شرکت بزرگ چند ملیتی است. جهانی شدن امور مالی نیز کاملاً محسوس است. در اواخر دهه 1990 همه روزه حدود 1,5 تریلیون دلار از طریق مبادلات ارزی جابجا می شد یعنی چیزی در حدود یک میلیارد دلار در هر دقیقه. در مورد جهانی شدن اقتصاد باید به حضور سه سازمان بین المللی بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول اشاره کرد که با قوانین و موافقت نامه های خود نقش مهمی در جهانی شدن اقتصاد دارند.

### - جهانی شدن سیاست

در مباحث جهانی شدن، دولت های ملی بزرگترین قربانی ها هستند. دولت های ملی قدرت های خود را از دست می دهند و انواع جدید دولت با اختیارات و کارایی متفاوت جانشین آن ها می شود. البته آنتونی گیدنز معتقد است که بحران هویت ممکن است موجب شود که دولت ملی تقویت شود.

### - جهانی شدن فرهنگ

جهان در دل ملل فرهنگ های متفاوتی را پرورش داده است و هر ملتی فرهنگ، آداب و رسوم و باورها و ارزش های خاص خود را دارد. هیچ ملتی بدون فرهنگ نبوده است و این فرهنگ بر روی جهان بینی و رویکرد مردم به دنیا مؤثر بوده است. در دنیای حاضر با توجه به گسترش روز افزون امکانات ارتباط میان فرهنگی، بحث گفتگوی فرهنگ ها و برخورد آن ها مطرح است. طبیعی است که در مقیاس جهانی این تقابل به ایجاد یا انتخاب یک فرهنگ می انجامد. در نتیجه می توان از جهانی شدن فرهنگ صحبت کرد. اما آنچه که در مسأله جهانی شدن فرهنگی - اجتماعی مطرح است به هم پیوستگی جنبش ها و نهضت های مردمی است که همان طور که پیش تر اشاره شد، به آن جهانی شدن از پایین هم گفته می شود. در اینجا مردم مختلف دنیا دست به دست هم داده، برای رسیدن به هدفی مشترک و حل مشکلی مشترک، جنبشی یکسان را به پیش می برند و به نوعی می توان با توجه به ضعیف شدن دولت ها ملی، آن را نقطه مقابل جهانی شدن اقتصادی یا جهانی شدن از بالا دانست.

### تعریف های فرهنگ و تمدن و مقایسه آنها:

جامعه شناسان و مردم شناسان انگلیسی و برخی فرانسوی ها فرهنگ و تمدن را در معنای وسیع و به صورت کل یا مجموعه ای از دست آورده های مادی و غیر مادی بکار می برند و آلمانیها مفاهیم فرهنگ Culture و تمدن Civilization را در برابر هم قرار داده اند. در مجموع این گروه عناصر مادی آثار فنی، اشکال و صور سازمان اجتماعی را که امکان بروز و تجلی یک

جامعه را فراهم می سازند تمدن می خوانند و مجموع مظاهر غیر مادی مانند آفرینشهای هنری، ایدئولوژی و ... را فرهنگ می نامند. (طیبی. 1374. ص 31. به نقل از: آلن بیرو).

### تعریف جامع فرهنگ و عناصر آن:

فرهنگ به عنوان مجموعه رفتارهای انسان و ارزشهای انسانی (مادی - غیرمادی) در نظر گرفته می شود و همان طور که ادوارد تیلور بیان داشته است ((فرهنگ یا تمدن عبارت از آن کل مرکبی است که شامل دانش، معتقدات، اخلاقیات، عادات، آداب و رسوم، هنر و هر گونه استعداد و مهارتهائی (تکنیک ها و فنون) که انسان از طریق عضویت در جامعه کسب می کند و در قبال آن جامعه تعهداتی به عهده دارد.

به نظر هرسکویت دانشمند معروف، تمام فرهنگ های موجود در جهان دارای ویژگیهای مشترک ذیل می باشند:

- 1- فرهنگ یک امر اکتسابی است.
- 2- فرهنگ عوامل طبیعی، روانشناسی و تاریخی زندگی انسان را در بر دارد.
- 3- هر فرهنگی دارای مشخصاتی است که مربوط به ترکیب و ساختمان جامعه است.
- 4- فرهنگ دارای جنبه های متعدد است.
- 5- فرهنگ در طول زمان تغییر می کند.
- 6- فرهنگ های مختلف در روی زمین وجود دارد.
- 7- هر فرهنگ دارای قواعد و اصولی است که تحقیق علمی آنها عملی و میسر است.
- 8- فرهنگ یک وسیله سازگاری فرد با محیط خارجی خود و در عین حال وسیله ای است برای ظهور امکانات خلاقه او. (طیبی. 1374. صص 31-32).

### فرهنگ پذیری Acculturation و تغییر فرهنگی Cultural Change

فرهنگ پذیری از اصطلاحات علوم اجتماعی است و عبارت است از پذیرش جنبه هائی از فرهنگ یک گروه به هنگام برخورد با گروهی دیگر. فرهنگ پذیری که در آغاز با استقرار تماس بین دو فرهنگ شکل می گیرد، در نهایت منجر به تغییر و دگرگونی در یکی یا هر دو فرهنگ می گردد. اینجاست که مفهوم فرهنگ پذیری، به مفهوم تغییر فرهنگی تبدیل می شود. (طیبی. 1374. ص 41).

## هویت فرهنگی Cultural Identity :

در اصطلاح مردم شناسی، عبارت است از تأکید بر خصوصیات و ویژگیهای فرهنگی و تاریخی یک جامعه مانند هنر موسیقی و ادبیات، زبان و رسوم و سنت های ملی و دینی، باورها و ... که در طول تاریخ نشانگر تمایز آن جامعه با جوامع دیگر است. مثلاً فرهنگ ایرانی با همه گستردگی دارای خصوصیات و ویژگیهایی است که آن را مشخص و از فرهنگهای دیگر جدا می سازد. (طیبی. 1374. ص 44).

### جهانی کردن فرهنگ:

فرایند واحدی در جهان در حال شکل گیری است به نام ((جهانی شدن فرهنگ))، که در واقع بر اثر آن یک فرهنگ جهانی به وجود می آید. جامعه شناسان توسعه معتقدند که توسعه اقتصاد جهانی سرمایه داری و صنعتی شدن و نظام دیوانسالاری بین المللی باعث به وجود آمدن این فرهنگ جهانی شده است. این فرهنگ ارزشهای سرمایه داری را ترویج می کند و بدون شک یک دسته از ارزش های ملی و بومی را زیر ضربات خود خرد می کند. از این رو عاملی بازدارنده در توسعه درون زای جهان سوم است. (لهسائی زاده، ع، 1381. به نقل از مک گرو، 1996. صص 116-61).

### جهانی شدن فرهنگ

مهم ترین و بحث انگیزترین بعد جهانی شدن، بعد فرهنگی و اجتماعی آن می باشد. اما بحث اساسی و سؤال برانگیز آن این است که با وجود جهانی شدن فرهنگ، آیا ما به سوی تک بعدی شدن فرهنگ ها خواهیم رفت یا تعدد فرهنگ ها؟ تکلیف خرده فرهنگ ها و فرهنگ های قومی و محلی در این موقعیت چه خواهد شد؟ آیا جهانی شدن به منزله جهانی شدن فرهنگ کشورهای صاحب قدرت و رسانه نیست؟

### از ویژگیهای جهانی شدن فرهنگ:

آشنایی با فرهنگ های مختلف: در عرصه جهانی هر فرهنگی سعی دارد که خود را به دیگران بشناساند. و دیگران هم با فرهنگ هایی غیر از فرهنگ خود آشنا خواهند شد.

### نقد فرهنگ ها:

مکتب ها و فرهنگ ها به دید و حوزه نقد کشیده می شوند و از گذشته بیشتر در این معرض قرار خواهند گرفت. ادیان، مکاتب، فرهنگ ها و سنت ها هر کدام سعی شان بر این است که هر چه بیشتر خود را منطقی، عقلانی و اگر نیاز به اصلاحات دارند خود را در معرض اصلاح

قرار دهند. و فرهنگ ها به سطح جهانی ارتقا پیدا کنند. در واقع آن فرهنگ و آیینی خواهد توانست در دید جامعه جهانی خود را مقبول بیابد که بر اساس خواسته ها و نیازهای واقعی و اساسی بشر پی ریزی شده باشد. فرهنگی که برای این عصر بتواند بشر را از گرداب و سرگردانی و حیرانی به آرامش و سعادت برساند.

### تقریب گفتمانها و عقاید:

در ازای تعالی اندیشه ها و افزایش مراودات فرهنگی و تضارب آرا و عقاید، از میزان تعصب های فکری و خصومت های عقیدتی کاسته خواهد شد و نخبگان جوامع و مذاهب مختلف از انعطاف و تحمل بیشتری در استماع و پذیرش اندیشه های مخالف برخوردار می شوند.

هر روز که به محل کار خود می رویم افرادی با پیراهن های چینی و تایوانی، شلوار بافت ترکیه و کفش آمریکایی می بینیم. تنوع کالاها بازار مصرف را دگرگون کرده است و امکان می دهد افراد با سلیقه های متفاوت بتوانند کالای مورد نیاز خود را تهیه کنند.

شرکت های خودروسازی نیز جنبه ای بین المللی یافته اند. به عنوان مثال قطعات فورد اسکورت در دوازده کشور اروپایی، کانادا، آمریکا و ژاپن ساخته می شود. مونتاژ نهایی در آلمان، انگلستان و اسپانیا انجام می شود. بدین ترتیب اتومبیلی مردم پسند در نزدیکی بازار مصرف با قیمت نهایی مناسب در اختیار مصرف کننده است.

مثال های فوق نمود جهانی شدن نیروی کار، مصرف و تولید در دنیای امروز ماست. در نظر اول این رویداد های مثبت، نافع و حتی هیجان انگیز به نظر می رسند و اکثر افراد آن را تاکید می کنند ولی چرا در ژوئن 2001 در شهر جنوا تظاهرات مشابه زیادی پس از 1999 در شهر های سیاتل، واشنگتن، پراگ، داووس و گتنبگ انجام شده است. برخی صاحب نظران حمله تروریستی به برج های دو قلو را ناشی از جهانی شدن اقتصاد و تبعیض های ناشی از آن می دانند چراغ که حمله به سمبل اقتصاد جهانی انجام شد و نه به مراکزی چون FBI، پنتاگون و ...

### الگوی نوسازی فرهنگی:

یکی از الگوهای جدید در علم توسعه، الگوی نو سازی فرهنگی می باشد. که منظور از آن حرکت از فرهنگ سنتی کشورهای عقب مانده به سوی فرهنگ جدید کشورهای توسعه یافته، در راستای بیرون آوردن جوامع کشورهای جهان سوم از حالت رخوت و عقب ماندگی، به جاده توسعه می باشد. در این الگو، وسایل ارتباط جمعی نقشی تعیین کننده دارند هر چه این وسایل بیشتر گسترش یافته اند، سرعت نوسازی فرهنگی و در نتیجه نوسازی عمومی و کلی جامعه بیشتر بوده است. و در نهایت جهان به سمت یک فرهنگ واحد قدم بر می دارد. جامعه شناسان طرفدار این نظریه اعتقاد دارند که دو وسیله ارتباط جمعی جهانی یعنی « ماهواره » و « شبکه جهانی رایانه » در

آینده ای نه چندان دور مردم کشورهای در حال توسعه را قادر می کنند که به سرعت مردم کشور های توسعه یافته از مواهب توسعه بهره مند شوند. (لهسایی زاده، ع. 1381. صص: 81-80).

### شکل های تاثیر جهانی شدن بر فرهنگ:

تاثیر فرآیند جهانی شدن بر فرهنگ به سه شکل نمایان گشته است. عده ای تصور می کنند که جهان در آینده شاهد یک فرهنگ جهانی خواهیم بود که بر تمامی انسانها مسلط خواهد بود که بر تمامی انسانها مسلط خواهد شد که عمدتاً این فرهنگ برخاسته از نظام سرمایه داری و فرهنگ غربی و آمریکایی است که بر یک نوع سبک مصرف و شیوه زندگی تاکید دارد. عده ای دیگر معتقدند که عام گرایی فرهنگی تقویت خواهد شد که در آن فرهنگها، عناصر فرهنگی را که جهانی شده اند را در خود جذب کرده و به ادغام و ترکیب فرهنگی خواهد انجامید. گروهی دیگر معتقدند که فرآیند جهانی شدن موجب افزایش خاص گرایی فرهنگی گردیده است که به برتری فرهنگی معتقدند و از ترکیب و ادغام و همگرایی فرهنگی دوری می کنند. (ادریسی، ا. 1383. ص: 1).

### جهانی شدن دیگر:

جهانی شدن اطلاعات، دنیا را کوچک اما بسیار دهشتناک نموده است. امروزه به مدد جهانی شدن اطلاعات هر کسی همه چیز را می بیند و میداند و همین امر خود باعث دور شدن خلاق از یکدیگر میشود، بی آنکه تمایلی برای همجواری و نزدیکی صورت پذیرد. در گذشته دنیا بسیار گوناگون بود. اما این تفاوت میان ملت ها آدمی دور و ناپیدا بود. در این روزگار هم، دنیا سرپا دگر گونه است، اما این اختلاف در هر دیاری نمایان و آشکار است. در تلویزیون اتاق نهارخوری تا انتهای شبکه های اطلاعات، بنابراین برای درک واقعیت یا به منظور تحمل بارش، کوشش بایسته ای باید. باید دانست که جهانی شدن اطلاعات (بسان اولین انقلاب عصر حاضر) که دیر زمانی به مثابه یک عامل رهایی و پیشرفت جلوه گر می شد، می تواند عاملی برای عدم درک یکدیگر بدل گردد و حتی سبب کینه و نفرت میان بشر شود. این بدان دلیل است که اطلاعات هیچگاه برای خلق ارتباط میان مردم و فرهنگهای این کره خاکی کافی نیست. دنیا از منظر تکنیک، دهکده جهانی شده است. اما از نظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دیگر گونه است. ارتباطات هرگز طبیعتاً در روزنامه ها، در امواج رادیو، تلویزیون و یا با رایانه ها همراه نیست. فلسفه سیاسی ارتباطات می بایست این پدیده خاص را در خود هضم کند که صلح تنها وابسته به اطلاعات نیست. هر چند که می تواند نقش تاثیر گذاری داشته باشد. دومین انقلاب، حضور دائم دیگری است که امروزه یکی از عوامل تشدید کننده در ناتوانی درک یکدیگر گردیده است. دیروز دیگری یک واقعیت قوم

شناختی بود و دور، امروز آن یک واقعیت جامعه شناختی است. بعلاوه باید با این دیگری همزیستی داشت، فاصله ها هرگز فیزیکی نیستند بلکه فرهنگی.

انقلابی دیگر، فرهنگی است. پرسش بنیادین این انقلاب این است که در این دنیای شفاف و هویدا اما ناتوان در درک یکدیگر، با کدامین شرایط قادر خواهیم بود همدیگر را تاب آوریم؟ در چه وضعیتی، انقلاب تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات می تواند جایگاه خوش را برای آرمان پیشرفت و نزدیکی میان مردم حفظ نماید و از عامل جنگ شدن بگریزد. رخداد سپتامبر 2001 سرآغاز این گسستگی بود. تهدید، همواره شدید تر، در هر آن، اکنون که من این سطور را می نگارم. درگیری مسلحانه در عراق این شکنندگی ارتباطات را تصدیق می کند. تروریسم بیانگر عدم پذیرش الگوی غربی است. و همین تروریسم میکوشد قابلیت پاسخ اطلاعات غربی را به عنوان یک نماد در خود تقویت کند. همچنین پدیدآیی تروریسم، ترجمان حضور فرهنگ در سیاست جهانی است. و از این پس پیوندش با ارتباطات حتمی است. غرب در هر جایی رویارویی زوج فرهنگ و ارتباطات است. امروزه الزام همزیستی با دیگر فرهنگ ها از طریق حضور فراگیری اطلاعات کاملا آشکار شده است و هم آوردی سیاسی شایانی را بر پا ساخته است.

در مجموع، ارتباطات، مبنای اصلی سیاست جهانی در قرن بیستم و یکم است. حوادث همواره ما را به خود می خواهند. دیروز سپتامبر و فردا بحرانهای سیاسی و نظامی دیگر. باید به خاطر سپرد که اگر یک سیستم فنی خواهان آنست که پا برجا بماند، بی نیاز از پروژه سیاسی است که یک نظام فنی همچون اطلاعات می تواند از در افتادن در ورطه نگرش صرف اقتصادی بگریزد، و از تو هم وحشتناکی که انسان ها می توانند تنها از طریق افسون شبکه ها تغییر کنند، رها شوند. می بایست ضرورت باز اندیشی نظری در باب نقش ارتباطات در جوامع را دریابیم. بایستی فراتر از عملکرد اقتصادی و ابزاری، به دگرگونی در روابط انسان ها و جوامع بیاندهشیم. در غیر این صورت، آنچنانکه حافظه تاریخی ما گواه است، اطلاعات و ارتباطات می تواند موجب بحران های بزرگ و سبب جنگ و بد فهمی ها شود. این در حالیست که در درون قرون، اطلاعات و ارتباطات از عوامل پیشرفت و هم جواری میان آدمی بوده است. اطلاعات و ارتباطات دارای نقش های علمی و سیاسی مهمی در هزاره سوم می باشند. البته به شرط آن که با کوشش عظیمی در ایجاد آگاهی همراه باشند. چنانچه در عصر جهانی شدن، ارتباطات و اطلاعات می تواند ارزشهایی را به ارمغان آورد که رهایی بخش باشد. چرا اینکه همواره بیشتر بر روی امکانات بدست آمده از فنون توجه می گردد و به نتایج حاصل آمده وقعی گذاشته نمیشود. به دیگر سخن، جهانی شدن فنون بسیار پر شتاب تر از تحولاتی که از آن سر بر می آورد، پیش می رود. و این گونه است که ما پایان فواصل فیزیکی را پیشگویی می کنیم، اما هنوز اهمیت فواصل فرهنگی را در نمی یابیم. ما دقیقا از عنایت

به این حقیقت که جهانی شدن اطلاعات و ارتباطات، به جای نزدیک ساختن انسانها و فرهنگها به یکدیگر، می تواند عامل جنگ باشند، می گریزیم.

### مدرنیته و جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات:

با این وجود فرو پاشی اندیشه های استالینی در سال 1990 این امید را در خانه لیبرال های نو زنده نمود که مدرنیته لیبرال - سرمایه داری تنها شیوه ارزشمند در سازماندهی امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است و فرهنگ سیاسی جهانی که در جامعه مدنی متبلور است، خواهد توانست از حقوق بشر در کشورهای که در آن ارزش های انسانی زیر پا گذاشته شده است. همچون یوگسلاوی، عراق، افغانستان و ... دفاع نماید. اما باور به حرکت به سوی تمدن بشری جهانی، اندیشه ای نو نیست که از کیسه استراتژیست های سیاسی جهان غرب، به ویژه ایالات متحده آمریکا، در این دو دهه اخیر برخاسته باشد. در حقیقت آبشخور این اندیشه در مبانی فکری و اجتماعی تمدن غرب نهفته است. در این راستا نظریه های کانت، هگل، مرس و وبر روشنگر است. ایده تاریخ جهانی بشر در اندیشه غربی برای اولین بار، توسط امانویل کانت در اثرش تحت عنوان "تاریخ جهانی بشر" طرح گردید. کانت بیان میدارد که تاریخ بشر یک نقطه پایان و مقصد نهایی خواهد داشت که در قابلیت های جاری آدمی متصور شده است. برای کانت و همچنین برای هگل و مارکس بعد از او، این نقطه پایانی تحقق آزادی انسان است که به عنوان جهانی شدن قانون عدالت تعریف می شود. از نظر کانت تنها زمانی که تمام دولت ها چنین قانونی را بپذیرند و با یک شکل حکومت جمهوری خویش را منطبق سازند، آنجا پایان تعارضات خواهد بود و یک صلح ماندگار اتفاق می افتد.

پس از مارکس و وبر، مدرنیته لیبرال - سرمایه داری، معنای بورژوازی پروتستانسم به خود می گیرد. مدرنیته در واقع سودای آن دارد تا تمام جهان را به سمت اقتصاد تک جهانی و یا پروتستانسم سوق دهد و همه فرهنگ ها و هویت های جهانی را به خود همراه سازد. از دیدگاه کارل مارکس مدرنیته لیبرال - سرمایه داری بر پایه ایدیولوژی بورژوازی مشخص می گردد در حالیکه ماکس وبر ریشه های مدرنیته جهانی را در پروتستان می بیند.

بنابراین جهانی شدن در معنای لیبرال جدید، بیانگر کوشش در جهت جهانی نمودن مدرنیته لیبرال - سرمایه داری به یاری مکانیزم های سیاسی و اقتصادی و به مدد فناوری ارتباطات و اطلاعات است. در حقیقت این فرایند از طریق همگون سازی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در سطح جهانی شکل می گیرد.

امروزه نگاهبان " پروژه لیبرال " ایالات متحده آمریکا و هم پیمان هایش در ناتو و گروه هفت است. در واقع جهانی شدن پروژه لیبرال در دستان ایالت متحده آمریکا می باشد که به مدد سازمان

تجارت جهانی و رسانه های ارتباطی و اطلاعاتی از کشورها و دولت هایی حمایت می کنند که با این پروژه لیبرال همراه باشند. بنابراین جهانی شدن ارتباطات که می توانست در راستای تقریب تمدن ها و فرهنگ ها به کار آید در خدمت پروژه لیبرالی قرار گرفته است که به فرهنگ های دیگر فرصت هیچگونه مانوری نمی دهد. حتی رخصت بهره گیری مناسب از تمدن غرب را در پای ابر تروریسم های جهانی سوزانده است. تمدن غرب و به ویژه ایالات متحده آمریکا آنقدر به فرهنگ و تمدن خویش غره شده است که مادلین آلبرابت بیان میدارد: ایالات متحده ملتی است که نمی توان از آن چشم پوشید، بر قله ایستاده است و بنابراین بهتر از دیگر کشورها، نظارگره جهان است.

الماندجرا (بانی نظریه جنگ تمدنی) در شهر ساپولو برزیل (26-06-2004) بیان می دارد چگونه کمتر از 5% از جمعیت جهان (290 میلیون) می تواند ارزش های خود را به کل جمعیت جهان تحمیل کند. الماندجرا در این سمینار بین المللی به نقل از اندیشمندان جنوب سخنش را آغاز و به پایان می رساند. ایشان سخنش را با تمسک به شعری از ادبیات ایران با این مضمون آغاز میکند که:

**در محفلی که خورشید اندر شمار ذره است خود را بزرگ دیدن شرط ادب نباشد**

در واقع بحران های پدید آمده در جهان معاصر، این نقطه را بر ملا ساخته است که جهانی شدن به طور عام و جهانی شدن ارتباطات به طور خاص نتوانسته است بر این اندیشه و باور چیره شود که تهی دست بودن در عرصه اقتصادوبرخی از اندیشه های اجتماعی و سیاسی، به معنای پایان تمدن ها نیست. چرا که جهان صرفا بازار نیست. در دنیای مخاطره آمیزی که ما شاهد ابر تروریسم، خشک اندیشی های مذهبی، جرم و جنایت سازمان یافته و ... هستیم، تحمیل یک فرهنگ و اندیشه به مدد فناوری ارتباطات، بحران و چالشهای جهان معاصر را کاهش نخواهد داد. در واقع فناوری ارتباطات و اطلاعات در وضع حاضر بشر میتواند دارای دو نقش اساسی باشد. نخست به یاری آن، بخش عمده ای از اندیشه های حقیقی و جهان شمول مدرنیته می تواند اشاعه یابد. از سوی دیگر به مدد این فناوری، فرصت مناسبی برای تمدنها و فرهنگ های دیگر فراهم آمده است تا بتوانند از کیان تمدنی و فرهنگی خویش دفاع کنند و به این طریق بتوانند ارزشها و باور های خویش را به دنیای معاصر عرضه کنند. در حقیقت فرهنگ غرب در چند دهه گذشته هر چه در کف داشت به یاری فناوری ارتباطات به جهان قدیم داشت و اکنون نوبت تمدن شرق و آفریقایی است.

در واقع جهانی شدن به طور عام و جهانی شدن ارتباطات به طور خاص تا اندازه ای قادر به گردش و نهادینه نمودن این مفاهیم در سطح جهان بوده است. جهانی شدن ارتباطات قادر بوده است، دریچه ای برای گشایش جهان باشد. هیچ اندیشمندی از اهمیت بسیار شایان رادیو، تلویزیون



و اینترنت به مثابه افق های بلند جهان نمی تواند غفلت نماید. در واقع ترس و دلهره رژیم های خود کامه و توتالیتر از جهانی شدن اطلاعات و ارتباطات، خود دلیل و برهان این گشایش است. کافی است نگاهی بیندازید به چین و دیگر دولت های توتالیتر در برخورد با اینترنت. با این وجود سوال اینجاست که چرا جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات نتوانسته است تمام اندیشه های مدرنیته را جهانی کند؟ چرا نظریه بازگشت ناپذیری تاریخ، یعنی عدم بازگشت به سنت در جهان سوم در زمینه های فرهنگ و هویت ملت ها صادق نیست؟ چرا امروزه برخی از اندیشمندان از تسلط شرق بر جهان در دهه های آینده سخن می گویند؟ چرا امروزه به جای توصیه اخلاقی گفتگوی تمدنها، نظریه نسبتا علمی تقابل فرهنگها معنا دار شده است؟

### جهانی شدن اطلاعات و ارتباطات:

جهانی شدن ارتباطات با تکیه صرف به بعد کارکردی (اقتصادی) از نقش رهایی بخشی و فرهنگی خویش باز ماند و منطق درونی سرمایه داری که تکیه بر انباشت سرمایه داشت در حوزه ارتباطات هم رخنه کرد و فرهنگ های بجای تفاهم و گفتگو، تضاد و مقابله پدید آمد. در واقع ارتباطات از بعد هنجاری خویش که می توانست نقش رهایی بخش و تفاهمی میان ملت ها و فرهنگ ها را بازی کند، غافل ماند. هنجارها در حوزه ارتباطات، دستورات و ارزش هایی هستند که راهنمای عمل سیاست گذاران اجتماعی قرار میگیرند. در این خصوص همواره اندیشیدن در باب هنجارها و باید و نباید های ارتباطات از دلمشغولی های اندیشمندان ارتباطات بوده است که نظریه های هنجاری اقتدار گرا، مشارکتی، توسعه بخش، کمونیست روسی، لیبرالی، حاصل این تلاش ها بوده است. لذا در عصر جهانی شدن ارتباطات، این نظریه ها بر مبنای دولت - ملت ها تدوین شده است، نمی تواند راهنمای عمل اندیشمندان باشد. در حقیقت در عصر جهانی شدن ارتباطات، اندیشمندان بتیید بکوشند تا اطلاعات و ارتباطات را از در افتادن به ورطه بحران های بزرگ و جنگ و بدفهمی رهایی دهند. در واقع با دوری از توجه صرف به جنبه های اقتصادی عصر جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات می تواند ارزشهایی را به ارمغان آورد که رهایی بخش باشد. باید باور داشت که جهانی شدن اطلاعات و ارتباطات می تواند به جای جنگ میان فرهنگها و ملتها، عامل نزدیک ساختن انسانها و فرهنگ ها به یکدیگر گردد. این امر زمانی میسر می آید که اندیشمندان حوزه ارتباطات قادر باشند به تاجران معبد و آنهایی که فنون ارتباطات را در خدمت منافع اقتصادی و فرهنگی خویش گرفته اند، بشورند و دگم اندیشان حوضه هویت و فرهنگ را از پیوند میان ارتباطات و دنیای انسانی، آگاه سازند.

### در عصر جهانی شدن اطلاعات، جهان به نفع اغنیا چرخیده است:

در واقع، جهانی شدن ارتباطات به جای آنکه ملت ها و فرهنگ ها را به هم نزدیک کند و عامل رهایی و گشایش گردد، سبب فقر و دور شدن بیشتر ملت ها شد و منطق درون سرمایه داری که تکیه بر انباشت سرمایه داشت در حوزه ارتباطات هم رخنه کرد. و نتیجه آن گردید که بین فرهنگ های به جای تفاهم و گفتگو، تضاد و تداخل رخ دهد.

در واقع نقش هنجاری ارتباطات نادیده انگاشته شد و به نقش کارکردی آن توجه گردید. نقش کارکردی در حقیقت به این امر بر می گشت که همه چیز داد و ستد می شود و جهانی شدن ارتباطات به عنوان ابزاری در خدمت این فرایند قرار گرفت. با تحقق نقش کارکردی، اقتصاد شاخص اصلی ارتباطات به حساب آمد و نقش های دیگر آن به وادی فراموش سپرده شد. در واقع انقلاب تکنولوژیک در عرصه ارتباطات، مرز های سر زمینی را از میان برد و روند جهانی شدن را شتاب بخشید. سرمایه داری جهانی، فناوری های حساس ارتباطات و رایانه را انحصار خود گرفت و شبکه هایی ارتباطی همچون سی.ان.ان. را مظهر قدرت های نو ظهور ارتباطی گرداند. در واقع ماهواره ها و شبکه اطلاعاتی همانند سی.ان.ان.، به ابزار هایی برای سیطره بر دولت ها و ملت های جهان تبدیل شد. به گونه ای که مادلین البرایت به طنز این شبکه را عضو جدید شورای امنیت نامید. بنابراین برعکس گذشته که استعمار برآمده از دولت ها بود، استعمار گران جدید، شرکت های بزرگ جهان بودند که به مدد رسانه های ارتباطی، اسب سرکشی سرمایه داری را بر پیکر مردم ضعیف دنیا می دواندند. کمترین نتیجه این سرکشی، ابزاری نمودن ارتباط بود اگر دیروز امید آن می رفت که جهانی شدن اطلاعات، تقابل میان فرهنگ ها و تمدن های بشر را از میان ببرد، این امید در آستانه فرو ریختن قرار گرفت. در واقع امروزه شرکت های بزرگ دنیا که اساساً در ایالات متحده امریکا، اروپا و ژاپن واقع شده اند، مسبب فروپاشی ارتباط جهانی بوده اند و بالطبع در این وادی، سکوت نخبگان و روشنفکران جهان بی تاثیر نبوده است. اما ارتباط نقش کارکردی خویش را که سود و داد و ستد بیشتر بود، به خوبی ایفا نمود و نتیجه در خوری عاید سوداگران جهانی داد. در سال 1960، درآمد 20% از افراد ثروتمند دنیا، سی برابر 20% فقرا بود. امروزه این وضعیت به مدد جهانی شدن ارتباطات !! تغییر کرده است. درآمد ثروتمندان نسبت به فقرا در سحرگاه قرن بیست و یکم، نه سی برابر، بلکه هشتاد و دو برابر شده است. بانک های بزرگ با سرمایه در گردش هزار میلیارد یورویی، بیش از تولید ناخالص ملی یک سوم جهان، سرمایه اندوخته اند. از میان شش میلیارد جمعیت دنیا، 500 میلیون در آسایش زندگی می کنند، در حالی که 5/5 میلیارد در فقر و نیازند. حتی در کشور های ثروتمندی چون ایالات متحده امریکا، 32 میلیون افراد دارای امید به زندگی پایین تر از 60 سال، 40 میلیون بدون بیمه و حمایت پزشکی و

45 میلیون پایین تر از آستانه فقرند. در اروپا به هنگام شکل گیری یورو، 50 میلیون فقیر و 18 میلیون بیکار وجود داشته است. این در حالیست که سرمایه 15 ثروتمند جهان، بیش از تولید ناخالص بخش عظیمی از کشورهای آفریقایی است. هر یکی از شرکت های بزرگ، بیش از صادرات هر کدام از 120 کشور بسیار فقیر، فروش دارند. این شرکت ها 70% تجارت جهانی را تحت کنترل و سیطره خویش دارند و با قدرت خود بر تصمیمات سیاسی و حکومتی کشورها فشار می آورند. در واقع در عصر جهانی شدن اطلاعات، جهان به نفع اغنیا چرخیده است. در چنین اوضاعی آیا می توان سخن از ارتباطات جهانی و گفتگوی بین فرهنگ ها به میان آورد. به نظر می آید تنها فنون ارتباطات با تاکید بر بعد هنجاری است که می تواند نقش رهایی بخش و تفاهمی میان ملت ها و فرهنگ ها را بازی کند.

امروزه نیاز به تحرک، تعامل و آزادی را مقدم بر نیاز به فرهنگ و هویت گرفته اند، در حالیکه در این خصوص گزینشی وجود ندارد، بلکه باید هر دو را یا هم دید. به عبارت دیگر ممکن است جهانی شدن فنون و صنایع اطلاعاتی و ارتباطی وجود داشته باشد، اما ارتباطات جهانی شده وجود ندارد. در حقیقت، صنایع فرهنگی جهانی موجود است، ولی فرهنگ جهانی نه. باید این حقیقت را باور داشت و بدان ایمان آورد که هرگز یک فرهنگ یا فرهنگ های منحصر به فرد و شاخصی وجود ندارد، هر چه که فرهنگ مسلط می تواند ارزش ها، باور ها و عقاید خود را تحمیل کند.

در جهان معاصر، غرب می کوشد به مدد اطلاعات و ارتباطات، فرهنگ خویش را روانه کشورهای جنوب نماید و در این راستا فکر می کند تمام مردم کره خاکی پیام فرهنگ غرب را درک خواهند کرد. این در حالی است که پیام یکسانی که برای همه فرستاده می شود، در هر جایی به سبک مشابه ای دریافت نمی شود. در این روزگار، اینترنت این ابهام را آشکار می سازد که این بمباران اطلاعاتی قادر به هلاک خویشتن است. غرب به سادگی می اندیشید که با وجود شبکه های اینترنتی، جهان از چند کاسگی به در خواهد آمد و به یک وحدت در حوزه فرهنگ و هویت جهانی دست می یابد. بی تردید کشورهای جنوب در مقابل این استعمار فکری، به فرهنگ و هویتشان باز می گردند. بنابراین اینترنت و مجموع فن آوری ارتباطات با امپریالیسم فرهنگی غرب، یکی قلمداد می شوند و این امر باعث بروز واکنش های خشونت آمیز می شود و بحران های فرهنگی و مذهبی منطقه را وخیمتر می گرداند که تاریخ سی سال اخیر، شاهد این مدعاست. در این خصوص یک نکته قابل توجه است که غرب نباید خود را در این وادی با دیگر فرهنگ ها قیاس نماید. فرهنگ و تمدن غرب، خود مبدأ و منشأ اصلی این منطق ارتباطی است و خود آبخور

«مدرنیته» است و بالطبع از این واکنش های فرهنگی و هویتی به دور است. چرا که غرب، تنها خطه ای از کره زمین است که پیوندش میان مدرنیته و هویت، کامل است. در عصر جهانی شدن اطلاعات، چگونه و به چه صورتی می توان همزیستی مسالمت آمیزی میان فرهنگ ها را سامان داد. در این گردونه دو امر ممکن خواهد بود: یکی پیوند موفقیت آمیز و رضایت بخش میان ارتباطات، تغییر پذیری و هویت و فرهنگ و دوم بی توجهی به مساله پیچیده هویت و ارتباطات که در این صورت باید منتظر باتوم هویت بود. در سالهای اخیر، فرهنگهای دیگر در مبارزه میان هویتهای خویش و مدرنیته، می کوشد مشکلات را تا حدود زیادی فیصله دهند و امید آن دارند تا با حفظ آرمانها و فرهنگ خود بتوانند بر فن آوری ارتباطی دست یابند.

### جهانی شدن اطلاعات و سیطره تکنیک بر فرهنگ:

برای فهم اهمیت بعد فرهنگی در ارتباطات، باید شاخص های خود ارتباطات را به یاد آورد. این شاخص ها سه بعد را شامل می شدند: فنی، سیاسی و اجتماعی- فرهنگی. اگر بعد سیاسی و فنی ارتباطات سریع و موازی تحول می یابد، بعد اجتماعی و فرهنگی بسیار پیچیده و به کندی پیش می رود. افراد و جوامع شیوه برقرار کردن ارتباط را کندتر از آن تغییر می دهند که ابزار را. لذا می بایست تغییری ناگهانی در سه سطح رخ دهد، این تحول امروزه در سطوح فنی و اقتصادی اتفاق افتاده است، اما در سطح فرهنگی و اجتماعی که بسیار هم مهم است، ناپیداست. فنون و شبکه های ارتباطی برای افزایش درک متقابل میان ملت ها بسنده نمی کند. به عبارت دیگر، پایان فاصله های فیزیکی، اهمیت فاصله های فرهنگی را برملا می سازد. بنابراین سومین مرحله جهانی شدن که گمان می رفت دنیا را بسی دوستانه و یک کاسه سازد، بر عکس ما را از تفاوت هایمان آگاه نمود. این گسستگی ارتباط از کجا آب می خورد؟ از این حقیقت که گیرندگان اطلاعات در یک فضا - زمان مشابه فرستندگان سیر نمی کنند.

در حقیقت، امروزه ما شاهد یک شکاف در نظام ارتباطات هستیم. که تکنیک بر فرهنگ چیره شده است، در واقع غلبه و سیطره اقتصاد با رشد صنایع بزرگ فرهنگی همراه شد و بتدریج تمامی بخشهای فعالیتهای ارتباطی (فیلم، تلویزیون، موسیقی، نشریات، مطبوعات و نرم افزارها) را در خود بلعید. بدون عنایت به تمامی ملاحظات سیاسی و بدون آنکه در این وادی کسی به خاطر خطراتی که متوجه دموکراسی میشد، هراسی به خویش راه دهد. به اینجا رسید: بیست سال ایدیولوژی آزاد و بی قاعده در عرصه ارتباطات.

جهانی شدن اطلاعات، تنها بازتاب غرب است، که با یک الگوی مشخص سیاسی و فرهنگی گره خورده است، و میان شمال و جنوب توازنی از این باب نیست. زیرا گوناگونی فرهنگ ها، شرایط

پذیرش اطلاعات را تغییر می دهد. اگر چه فنون ارتباطی یکسان است، اما آدمهای این دنیا، به موضوعات یکسانی علاقمند نیستند، و حظ و بهره یکسانی از اطلاعات نمی برند. فراوانی اطلاعات هیچ چیزی را آسان نمی سازد و صد البته همه چیز را کلاف سر در گم می کنند.

### اسلام و جهانی شدن:

بایستی ماهیت اسلام را به جهانیان بشناسیم که اسلام اینگونه نیست که با اندیشه یک فرد به خشونت گرایی بیانجامد اسلام ماهیتی دارد که مسالمت گراست و خواهان این است که فضای مناسب برای اندیشه فراهم شود این امر را هم در آن قصور کرده این و فضا سازی که ماهیت دین چیست و دین چه کارکرد هایی می تواند داشته باشد در این زمینه قصور کرده ایم و با توجه به این قصور دیگران دین را بگونه دیگر عرضه می کنند و ما را به دوران قرون وسطی می کشاند یعنی به تاریخ اندیشی، واپس گرایی و به نفع ابزار های مدرن و به مسلط شدن ترقی عده ای خاص نسبت به دین بر افراد دیگر یعنی آنها می گویند سرانجام دین به یک الیگارشی برخی نخبگان دینی که آنها نظرات خودشان را به دیگران تحمیل می کنند و در نتیجه بنام دین و استفاده ابزاری از دین تلاش می کنند نظرشان را به دیگران تحمیل کنند. برای تبیین ماهیت دین و فضا سازی برای نقش آفرینی دین بایستی هم نخبگان دین و فرهنگ و هم جوامع مسلمان تلاش کنند. (دکتر محمد رضا دهشیری. اینترنت. 1384).

### جهانی شدن و کشور های منطقه

به طور کلی از سه دیدگاه می توان به بحث جهانی پرداخت : 1) دیدگاه جامعه شناختی جهانی شدن : در این دیدگاه بیشتر به مباحث پست مدرنیسم جهانی شدن و باز اندیشی پرداخته می شود. طرفداران پست مدرن جهانی شدن از طرفی به شکل گیری جامعه پساوردیسم و سرمایه داری بی سازمان معتقدند و از طرف دیگر به کثرت گرایی و نسبی گرایی فرهنگی و طرفداران « باز اندیشی » در مدرنیته که به شکل گیری جامعه مدرنیته فرا صنعتی باور دارند و تجدید نظر مداوم در مورد ساختار های اجتماعی در مدرنیته برتر.

2) دیدگاه لیبرالیستی : این دیدگاه در واقع بر فرآیند جهانی شدن تاکید می کند. اساس این دیدگاه، تنوع و گسترش تکنولوژی به ویژه تکنولوژی اطلاعاتی یا انقلاب الکترونیکی است، به نظر طرفدارای این دیدگاه تولید و مصرف از حالت عینی و ملموس آن به سمت اطلاعات و خدمات الکترونیکی تغییر شکل داده و به عبارتی نتیجه فعالیتهای اقتصادی در عصر جهانی شدن «بی وزن شدن» محصولات و تولیدات اقتصادی است. اینان بر این باورند که تولید شدیداً جهانی شده و مقررات زدایی و آزاد سازی بازار های داخلی و جهانی از یک طرف و در هم یافته شدن

آنان از طرف دیگر رقابت را به یک اصل جهانی تبدیل نموده است. در عصر جهانی شدن گرایش به سمت کارگران ماهر و کالای بدون وزن به شدت افزایش پیدا کرده است. بر اساس دیدگاه لیبرالیسم جهانی شدن، دیگر رهیافت واقع گرایی دولت محور تضعیف شده و با پیشرفت تکنولوژیهای اطلاعاتی «سیاست اطلاعات محور» به جای مفهوم «سیاست قدرت محور» وارد ادبیات روابط بین الملل شده و سازمانهای بین المللی غیر دولتی نوعی جامعه معروفی جهانی بوجود آورده اند که قدرت را از دست دولت مردان خارج نموده اند و طرفداران دیدگاه لیبرالیستی همچنین بر تضعیف حقوق موضوعه و آنکه محصول توافقات دولتهای ملی است اشاره می کنند که با تضعیف جایگاه «دولت های ملی» جای خود را به حقوق طبیعی داده که در قالب حقوق بشر و آزادیهای مدنی ظهور نموده است، طرفداران رهیافت لیبرالیستی جهانی شدن بر انتقال از اجتماع گرایی. به فرد گرایی تاکید دارند که در پرتو پیشرفت های تکنولوژی اطلاعات و گسترش رسانه ها باعث تضعیف هر چه بیشتر جوامع مهر پیوند و تقویت جوامع عقل پیوند شده است. حامیان لیبرالیست جهانی شدن از زوال دولت رفاهی سخن می گویند و بر تقویت نو محافظه کاری صحه می گذارند. آنان با تاسی از هایک بر نظم ((خودجوش)) بازار تاکید داشته و خصوصی سازی و تمرکز زدایی از دولت را خروج از بن بست دولت رفاهی می دانند و مصداق عینی اندیشه خود را ظهور تاجریسم و ریگانیسم می دانند که باعث رشد و رونق تجارت جهانی و بالطبع تقویت جریان جهانی شدن شده است. در نهایت اندیشمندان لیبران جهانی شدن بر زوال استراتژی جانشینی واردات و اوج گیری راهبرد توسعه صادرات در تعمیق جریان جهانی شدن تاکید دارد و بر رشد تجارت جهانی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) دیدگاه خوشبینانه و مثبتی دارد و جهانی شدن را روند (Process) می دانند .

3) دیدگاه مارکسیستی با جهان سوم : رهیافتی که آقای مارتین کور به آن تعلق دارد رهیافت جهان سوم یا جریان جهانی شدن است. این گروه در بر گیرنده نظریه پردازان وابستگی، حامیان، دیدگاه های ماکسیستی و نئومارکسیستی، نظریه نظام جهانی و مکتب فرانکفورت میباشد. آنان به جهانی شدن سرمایه داری، استثمار، امپریالیسم، آمریکا، مک دونالد باور دارند و جهانی شدن را معادل بسط و گسترش سرمایه داری یعنی انباشت، کالایی شدن و به اکثر رساندن سود و رقابت در تمامی عرصه های حیات بشری تلقی میکنند و از دو بعد اقتصادی و فرهنگی بر آن می تازند و آن را نقد می کنند از بعد اقتصادی بر تقسیم ناعادلانه کار میان دولتهای ملی و روابط ناعادلانه تولید و مبادله کالا تاکید دارند. اینان معتقدند جهانی شدن نقش ایدئولوژی توجیه کننده نظام سرمایه داری را بازی می کنند و نظام سرمایه داری با اتکاء به جهانی شدن سعی در مشروعیت بخشی به نابرابریها، تقسیم کار ناعادلانه، ساخت سلسله مراتب موجود را دارد. اما

آنچه که آقای مارتین کور به آن پرداخته بررسی ماهیت جهانی شدن اقتصاد از ابعاد مهم و کلیدی آن یعنی آزاد سازی مالی، آزاد سازی تجاری و آزاد سازی سرمایه گذاری و ارائه طرح ها و پیشنهادهای جهت کاهش جوانب منفی جهانی شدن در مواجهه اقتصاد های ملی و اقتصاد جهانی است به اعتقاد وی فرآیند جهانی شدن از طریق سیاست های اتخاذ شده در ستوه ملی و جهانی کردن جهانی اخیر منجر به آزاد سازی مالی، تجاری و سرمایه گذاری شده، به پیشرفته و توانمند گردیده است. سیاست هایی که فرآیند های تصمیم گیری ایجاد کننده آن، تحت الشعاع دولت های کشور های توسعه یافته و موسسات بین المللی تحت کنترل آنها می باشد.

### مشکل هویت ایرانیان امروز:

در رابطه با هویت و جهانی شدن می شود سه تا اصل اساسی را بیان کرد. 1- جهانی شدن چه جور پدیده ای است؟ 2- ما که هستیم؟ 3- رابطه مان با جهانی شدن چیست؟

مهمترین خصیصه قرن بیستم این است که توده های معمولی در عرصه سیاست بازیگر شدند، این طغیان توده ها در معارف مختلف به درجات مختلف و تاریخ های مختلف آمده اند. امام اصلاً تاملش کرد گفت: هر کس 15 سالش است در همه حوزه ها می تواند بازیگر باشد حتی در انتخاب مجلس خبرگان که می خواهد رهبر تعیین کند، خیلی جالب است یعنی طغیان توده ها مشروعیت سیاسی هم گرفت بنابراین افکار عمومی در همه جای دنیا اگر حرف این آقای پروفیسور را بپذیریم این یک انقلاب همه گیر و همه جایی است و اینک سه تا تاریخ را در مملکت خودمان داریم که آدمها بازیگر شدند، خوب این اهمیت دارد و ما می دانیم این با حرف شیخ فضل الله مغایرت دارد که می گفت: جمعیت حق بازیگری ندارد، شیعه اکثریت را قبول نکرد، بنابراین این افکار عمومی از این طرف مهم شده برای اینکه در سطح جهان است که همه بازیگر شدند. این است که دولت ها مهم هستند باید دولتها کمک کنند به جهانی شدن اما در عین حال یک پدیده ای همه گیر است، شهروندا هم مهم هستند، چرا؟ برای اینکه بازیگر شدند. ما در کجا هستیم به گمانم اینکه صورت برداری کردیم که ما چه هستیم؟ اما فعلاً تصمیم نگرفتیم که می خواهیم بازیگر باشیم یا نه؟ البته من می دانم که بعضی جناحها هستند که به شدت دنبال بازیگری در سطح جهانی هستند برای اینکه می بینم تقاضای 7 سال که در سازمان تجارت جهانی مطرح است و آمریکا هم به شدت گرفتار شده است. البته من اینجا بگویم سازمان تجارت جهانی صدر جهانی شدن است، اصلاً ربطی به جهانی شدن ندارد اما با این حال یکی از ملاکهایش گرفته بشود ما در کجا هستیم ما می توانیم در عرصه جهانی بازیگر باشیم برای اینکه بالقوه نیروهایی داریم که می توانند بازی کنند ولی از این طرف هنوز تصمیم نگرفتیم یا لااقل بعضی جناحهایمان تصمیم گرفته و بعضی جناحها تصمیم نگرفتند بعضی جناحهایمان هنوز حکم نشده بازی حکم را در نظر

بگیرید تا موقعی که یک گروه خاص حکم دارد (زیاد هم حکم دارد) هم وقت فرصت دارند حکمش را می زنند. بنابراین مشکل است بعضی ها هستند در بعضی از زمینه ها حکم دارند و بعضی ها در زمینه دیگر. این که ما در کجا هستیم ما در بالقوه می توانیم بازی کنیم اما هنوز بالفعل نه! افکار عمومی مان مؤثر است اما حکم دست کس دیگری است دولت هم مجبور است در سطح جهانی شدن بازی کند چون جهانی شدن بازی است که اگر پر زور نروی پر زور خورده می شوی و بهتر است که آدم پر زور برود.

### معضله آفرینی فرهنگ برای جهانی شدن

ما در حوزه فرهنگ هم با وضعیت مشابهی با جهانی شدن اقتصاد روبرو هستیم. یعنی ما در حوزه فرهنگ هم: اولاً با بازنگریهای جهانی فرهنگ مواجهیم. ثانیاً با ساز و کارهای واحد تولید فرهنگ یا فرهنگ آفرینی. ثالثاً با شکل های مشابه رفتار فرهنگی مواجه هستیم. گویی که از این منظر باز کلیت جهان در عرصه فرهنگی یک واحد یکپارچه ای شده و عناصر و اجزایی که در درون این مجموعه دارند کار می کنند. هر کاری که می کنند این وحدت و یکپارچگی را باز می تابانند. در درون یک دولت ملت مثل ایران درست است که یک تفاوتی یا اختلافهای فرهنگی جزئی وجود دارد. ولی همه اینها هویت واحدی برای خودشان قائل هستند. از حیث آداب و معاشرتشان از حیث چیزهای فرهنگی که به آنها علاقمندند و استفاده می کنند. معیارهایی که بر اساس آن معیارها مقوله های فرهنگی را انتخاب می کنند و خلاصه ساز و کارهایی که هستی و فرهنگی اینها را می سازد وحدت دارند. مثلاً همگی از سعدی خوششان می آید. موزیک یا موسیقی ایرانی یک شاخص عمومی دارد که کمابیش همه آدمهایی که اینجا هستند با آن موافقت دارند و احساس می کنند که بیانگر فرهنگی آنهاست، کالاهای فرهنگی که در این محدوده یا پدیده های فرهنگی که در این محدوده ظاهر می شود به یک شکلی است که بر چسب ایرانی بودن را دارد. بر چسب ایرانی این واحد دولت ملت را دارد. یعنی اگر عناصر مختلف جهانی فرهنگ را مثل عناصر مختلف جهان اقتصاد در نظر بگیریم یعنی بازیگرهای فرهنگی، تولیدات فرهنگی، مصرف فرهنگی، و ساز و کارهایی که برای این عناصر مختلف حاکم است و معیارها و هنجارهایی که اعمال فرهنگی را شکل می گیرند در نظر بگیریم از این منظر می گوید که جهان دارد وحدت فرهنگی پیدا می کند. گویا همه روز نامه های واحدی را می خوانند، همه لباس واحدی را علاقمندند و می پوشند، همه به موزیک واحدی دارند علاقمند می شوند، نمی گفتند شده می گفتند داریم می رویم که جهانی شدن از عرصه اقتصاد شروع شده، همه جهان را به همدیگر دوخته از همه جهت بحثهای مختلف اقتصادیشان را به هم وحدت داده ولی در بعضی بخشها هنوز داریم می رویم ولی در این بخش یعنی در حوزه فرهنگ هم ما داریم با چنین



وضعیتی روبرو می شویم معیار های فرهنگی که تعیین کننده ذوق و سلیقه آدمهاست کمابیش معیارهای واحدی شده ، آن مصرف گرایی که ویژگی خاص جهان غرب بوده همه دنیا علاقه دارند. به این مقولاتی فرهنگی که غرب تولید می کنند یا حتی کالاهایی که تولید می شود دوست دارند به لحاظ فرهنگی مظاهر این فرهنگ را داشته باشد.

جهانی شدن یعنی اینکه ما وارد عرصه و دوره ای از تاریخ خودمان شدیم که تمام قالبهای قبلی که این قالبها رفتار های ما را توجیه می کرد و معنا می داد و تنظیم می کرد از بین رفته و یک قالب فراتر از اینها به اسم قالب جهانی آمده و همه اینها را به هم می دوزد و به عنوان اجزای آن واحد در می آورد . همان طور که قبل از اینکه عراق ، عربستان، اروپا یا هر جای دیگر دولت ملت بشوند ، هزاران قوم بودند. مثلاً قوم شاهسون ، کرد ، ترک و... و اینها واحد های خود مختاری را تشکیل می دادند که بعداً آمدند یک هویت واحد یک ساختار واحد و سازمان واحدی به نام ایرانی و ایرانی بودن اینها را هم جمع کردند ، و شد دولت ملت ایران یا فرانسه یا هر جای دیگر.

الان هم همه این واحد ها متلاشی شدند یعنی قواعد تنظیم کننده رفتار قبلی شان از هم پاشیده و دیگر به آنها عمل نمی کند یا در حال از هم پاشیدن است و اینها دارند تبدیل به اجزاء یک ساختار جدید به اسم ساختار جهانی و نظام جهانی می شوند. نه اینکه اینها از بین می روند بلکه به این معنا که اینها دوباره سازماندهی می شوند در درون یک واحد جدید به اسم واحد جهانی درست مثل اینکه مثلاً قومیتها و قبایل و اقوامی که قبل از این در سرزمین جغرافیایی ایران زندگی می کردند و اصلاً خودشان را ایرانی نمی دانستند.

ایرانی یک مفهوم جدید است یعنی اگر شما بروید کنار کرد ها ، ترک ها مثلاً تاریخشان را بسنجید آنها همگی یک ترقی از خودشان داشته اند اگر می رفتید از آنها می پرسیدید اصلاً معنا دار نبود شاید وحدت فرهنگی خودشان را با مسلمان بودن معرفی می کردند نه با ایرانی بودن. بعد آمد یک واحدی به اسم ایران این در اروپا خیلی شدیدتر بود یعنی قبل از دوران جدید اروپا که دولت ملت هایی مثل فرانسه ، انگلیس اینها همهمشان قبائل مختلف بودند که در این کشور ها عمل کردند گاه مثل ایران یک قبیله ای می آمده غلبه پیدا می کرده بر آن محدوده جغرافیایی خاص و مسلط به لحاظ سیاسی و یک قوم دیگری را جای خودش را می دادند..

### نظریه های مختلف درباره جهانی شدن

تعریف جامعی که از جهانی شدن ارائه می دهند به این قرار است: جهانی شدن نه یک پدیده ثابت واقعه وجود لا متغیر ، بلکه فرآیندی با مجموعه ای از فرآیند هاست که یک دگرگونی در فضای سازمانهای روابط اجتماعی و انجمن های اجتماعی بوجود می آورد یعنی فضا و روابط سازمان و انجمن های اجتماعی را تغییر می دهد. این دگرگونی ها با چهار شاخص سنجیده

می شود، این چهار شاخص عبارت است از 1: وسعت روابط اجتماعی 2- عمق 3- سرعت آن 4- میزان و تاثیر آن. یعنی آنها قصد دارند که با بررسی عمق، وسعت، سرعت و میزان تاثیر روابط اجتماعی در عرصه جهانی نشان بدهند که چطور در دوران های مختلف تاریخی و در شرایط فعلی این شاخص ها در مورد جهانی شدن قابل مطالعه است. در نظریه دیوید هلد و آنتونی مکرو معتقد به سه ویژگی اصلی جهانی شدن هستند که جهانی شدن را به نوعی از وابستگی متقابل سوق می دهد، متمایز می کند و روند متکامل تری از آن را تشکیل می دهد. ویژگی اول: فشردگی و تراکم شبکه ها در عرصه جهانی. ویژگی دوم: شدت نهادها یعنی تاثیر بسیار شدید و گسترده نهاد های بین المللی که فوق العاده سریع و فوق العاده شدید تاثیر می گذارد. ویژگی سوم: مشارکت های فراملی.

آنها معتقدند که بسیاری از روند ها و تصمیم گیریها در درون چارچوب های ملی است که معنا پیدا کرده و در مرحله جهانی شکل می گیرد البته در تاثیر همه آنها در حوزه سیاست گسترش جهانی دموکراسی است. آنها معتقدند که روز به روز رژیم های دموکراسی، رژیم های ریبیرال و مدل اقتصاد بازار آزاد در حال جهان شمولی بیشتر است.

### هویت ملی

بحث هویت ملی و حس ملی یک حس جدیدی است و مربوط به 7 قرن اخیر است قبل از آن احساس تعلق به یک کشور در هیچ کجای دنیا وجود نداشته است. البته ممکن است یک مملکتی یک اسم خاصی را داشت و بحث هایی بود ولی اینها هویت فرهنگی و تاریخی بوده اند. ولی هویت ملی به معنای جدید آن نبوده است و به تدریج پدید آمده و شکل گرفته است. به عقیده ما هویت ملی معلول همین 7 قرن بوده است. 7 قرنی که بشر را از چند بره یک سری از نهاد های زمینی که چهره قدسی برای خودشان پیدا کرده بودند آزاد کرد. و به تشکیل حکومت هایی از نوع جدید منجر شد. هویت ملی و حس ملی چه در ایران و چه در جهان چیزی است که در مقطعی از جهان شکل گرفته و بوجود آمده است. کما اینکه هویت های فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی هم به همین ترتیب است اینها بوجود می آیند و انسان ساخته می شود و خلق جدید حادث می شود. چون بوجود می آید دچار دگرگونی است یعنی این حس ملی را بعد از ایلخانیان و صفویه نگاه کنیم هر روز دچار تحول شده و در دوره قاجار هم تحولات دیگری پیدا کرده در دوران مشروطیت یک تحولات جدید پیدا شده و با انقلاب اسلامی هم همین طور. و چون متحول می شود لذا می توان به جایی برسیم. که از این هم عبور کنیم و به مراحل بالاتری برسیم یعنی یک حس دیگری در ما ایجاد شود که علاوه بر اینکه حس ملی را حذف نمی کند بلکه حس ملی در مرحله پائین تری از آن قرار بگیرد. به عنوان مثال مدرک تحصیلی لیسانس را میگیرید.

وقتی می خواهید فوق لیسانس بگیرید لیسانس را کنار نمی گذارید بلکه یک درجه بالاتر می روی. شاید بتوان گفت این جریان حس جهانی پیدا کردن اینکه ما عضو یک جامعه جهانی هستیم یک حسی پیدا می شود نه اینکه می خواهد حس ملی را حذف کند. بلکه یک عبور و بالا رفت نسبت به حس ملی است و بتدریج برای همه جهان محقق می شود. جدای از اینکه چه استفاده هایی می کنند و چه مطامعی دارند.

### جهانی شدن و مسلمانان:

اسلام با جهانی شدن به مفهوم گسترش ارتباطات، تجارت و عقل ابرازی هیچ مشکل ذاتی ندارد؛ اما بالعرض مشکل دارد. چون امروزه مسلمانان - متأسفانه - در حوزه سیاست، علم و اقتصاد، دست فروتر را دارند نه فراتر و برتر و در عالم ارتباطات و تبادل - حتی تکنولوژی و فرهنگ - هر چند پروسه ای طبیعی باشد، قوی، ضعیف را پایمال می کند.

در حوزه فرهنگ، جهانی سازی فرهنگ سازی برای رشد مصرف گرایی، تنوع طلبی و لذت طلبی است. هدف، ایجاد وابستگی اقتصادی در جهان اسلام و غارت آن در حوزه سیاست است جهانی سازی به این مفهوم، عبارت است از جهانی سازی سلطه سیاسی بر کشور هایی اسلامی؛ که تا به حال از طریق گسترش جنگ های مذهبی و نژادی و قومی و ملی بین مسلمانها تعقیب می شد و این اواخر از طریق لشکر کشی و اشتغال گری و جنگ و لاقط در جهان اسلام به اصلی ترین رکن توسعه سیاسی یا مدرن کردن سیاست - یعنی دموکراسی - هم تن نخواهند داد. آنها می دانند که امروز در هر کشور اسلامی که انتخاب آزاد صورت بگیرد، یک جریان اسلام گرا از کار در می آید. لذا آنها نه در عراق و افغانستان - که اشغال کردند - بلکه حتی در مصر و عربستان و سایر کشور های اسلامی، اجازه انتخاب آزاد نخواهند داد.

سومین حوزه جهانی سازی، حوزه فرهنگ است که به نام گسترش فرهنگ مدرنیته، روش زندگی آمریکا را در تمام دنیا ترویج می دهد. جهانی سازی فرهنگی به این معنا یعنی غربی سازی آمریکایی. فرهنگ و ارزش های آمریکایی که قرار است با پوشش جهانی سازی بر دنیا تحمل شود، چه مشخصاتی دارد؟ یکی از مشخصاتش اخلاقی زدایی و تئوریزه کردن فحشا است. فحشا و فساد اخلاقی، همیشه بر تاریخ بشر بوده است؛ برای اولین بار در این دوره جدید است که فحشا و فساد - مثل همجنس گرایی - علنی و تئوریزه می شود و به آن افتخار می کنند و گروه های صنفی تشکیل می دهند. مشخصه دوم، گسترش فرهنگ سرمایه داری است که مبتنی به اسراف و تبذیر و ربا است. آنها می گویند: جهانی سازی فرهنگی، عبارت است از گسترش اجباری، و به عبارت دیگر، گسترش اجتناب ناپذیر فرهنگ مدرنیته. آنها می گویند: یا ماییم که جلو داریم، یا بقیه که در دوره گذار از سنت به مدرنیته هستند. مفهومش این است که این، یک جاده یک طرف است، تونلی

است که همه بشریت باید به دنبال ما بیایند؛ بعضی دیرتر و بعضی زودتر، این همان ادبیاتی است که کمونیست ها به کار می بردند و می گفتند: دوره سوسیالیسم آینده قطعی بشریت است؛ ما جلوتر می رویم و بقیه در حال گذار هستند و باید به ما برسند؛ والا نابود خواهند شد. این همان ادبیات فاشیستی است که ما قبلا از موسولینی و هیتلر هم شنیده بودیم. اما واقعا کدام فرهنگ، مستحق جهانی شدن است؟ فرهنگی که دارای این چند مشخصه را داشته باشد:

- 1- به دنبال حقیقت باشد، نه قدرت و سیطره بر دنیا؛
  - 2- انسان ها به چشم موجودات شریف بنگرد، نه با نگاه ابرازی؛
  - 3- انسان را موجودی منطقی بداند، نه غریزی؛
  - 4- حق طلبی و کمال خواهی را در شمار امور ذاتی انسان بداند و به آن احترام بگذارد.
- خدا در قرآن کریم فرموده که پیامبرش، «کافه للناس» مبعوث شده است؛ یعنی برای همه بشریت. این پیامبر، اهداف و مطالبات جهانی دارد اما این مطالبات جهانی، انسان است و در جهت مدح انسان و عدالت و فضیلت است، نه پایمال کردن حقوق انسان. در دعاییکه از پیامبر اکرم (ص) برای ماه مبارک رمضان نقل شده، آمده است: «اللهم اغن کل فقیر؛ اللهم اشبع کل جائع؛ اللهم اکس کل عریان؛ اللهم اقض دین کل مدین؛ اللهم فرج عن کل مکروب؛ اللهم رد کل غریب؛ اللهم فک کل اسیر...» در این دعا از خدا می خواهیم که تمام فقیران جهان به رفاه برسند و تمام گرسنگان جهان سیر شوند و تمام برهنگان جهان لباس بپوشند. پیداست این دین مطالبات جهانی و بشری دارد و با مطالبات جهانی تفکر مقابل حتما اشتقاق تئوریت پیدا می کند و پیدا کرده است.

نتیجه گیری:

امروزه فرهنگ شناسان ضمن اینکه بر «الگوهای چند گانه» فرهنگی و تنوع فرهنگی تاکید می کنند، بر این باور نیز هستند که یک «فرهنگ جهانی» در حال شکل گیری است که ضمن تاثیر پذیری از فرهنگ های رایج در جهان، خود نیز محور های مشخص فرهنگی را بر دیگر فرهنگها در جوامع القاء می کنند. (لهسایی زاده، ع. تیر 1383. ص: 11).

پس از عصر صنعتی، به موجب پیدایش فناوریهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی و ارزشمند شدن اطلاعات در آستانه هزاره سوم، جامعه ای شکل گرفت به نام جامعه اطلاعاتی که در آن دانش و اطلاعات محور اساسی تحولات و توسعه است. بتدریج کشور ها به ضرورت حرکت به سوی جامعه اطلاعاتی پی بردند. اما در عین حال، دغدغه ها و نگرانی هایی نیز بویژه در کشور های در حال توسعه و جهان سوم بوجود آمد. نگرانی هایی مانند تهدید هویت فرهنگی کشور ها، تداوم و افزایش نابرابری ها و بی توجهی به حقوق بشر، به همین جهت است که کشور ها با پژوهش و برنامه ریزی علمی و برگزاری اجلاس های منطقه ای و اجلاس جهانی سران درباره جامعه

اطلاعاتی می کوشند بهترین حضور را در جامعه اطلاعاتی داشته باشند. در کشور ما هم به منظور حرکتی مطلوب در جهت حفظ فرهنگ ملی و مصلحت ملی تا کنون بررسی ها و تلاش هایی صورت گرفته است. در این جامعه اطلاعات باید به طور انبوه در دسترس همگان قرار گیرد تا این اطلاعات باعث مشارکت علمی و اندیشمندانه شهروندان در تصمیم گیری ها شود. در ورود به این جامعه باید نظامند باشیم، سخت افزار و نرم افزار را باید به طور هدفمند با یکدیگر توأم کنیم. نرم افزار و برنامه تهیه کنیم تا محتوای ملی و بومی داشته باشیم. در غیر اینصورت، همیشه مصرف کننده نرم افزار های غربی خواهیم بود (معتمد نژاد، ک. 1385/4/24. ص: 9).

بسیاری از جامعه شناسان توسعه، موانع فرهنگی را اصلی ترین موانع توسعه کشور های عقب مانده می دانند. این موانع بسیار زیادند، اما در سطح گسترده به 4 شکل دیده می شوند: 1) تقدیر گرایی، 2) تجدد ستیزی، 3) کمبود شناخت علمی، 4) تضاد های قومی. (لهسایی زاده، ع. 1381. صص: 63/62).

اگر مردم کشورهای جهان سوم به دنبال سراب دستیابی به توسعه فرهنگ خود را کاملاً طرد و نفی کنند و فرهنگ غربی را بدون مطالعه کافی، کاملاً بپذیرند از این طریق نظام فرهنگی یک جامعه تغییر و از تولیدی / کار کردی به مصرفی / تخریبی تبدیل می شود.

در پی این تغییر فرهنگی، شخصیت های مردم جهان سوم نیز تغییر می کنند. مویلمان این مسئله را در 45 سال (1961) پیش چنین تشریح کرده است: « آنها از طبیعت های مغرور، شجاع، صدیق، سربلند و بی نیاز عموماً در مدتی کوتاه افرادی فرومایه، شارلاتان و دروغگو بوجود می آیند که تنها به فکر لذت و سود بوده و فرهنگ سنتی خود را نفی و مسخره می کنند». این نتیجه جزء اهداف سرمایه داران است. در رقابت های اقتصادی هر چه تعداد رقبا کمتر باشد، احتمال موفقیت بیشتر است و یکی از بهترین روش های حذف رقیب، خنثی کردن او و از طریق تغییر فرهنگ آن از تولیدی به مصرفی و تخریبی است. این فرهنگ جدید مخرب را می توان در قالب «توسعه» وارد کشور های جهان سوم کرد تا آنها (مخصوصاً کشور هایی مانند ترکیه و ایران به عنوان در کشور اسلامی با فرهنگ غنی و ذخائر اقتصادی و انسانی زیاد) از حیثه رقابت اقتصادی و مذهبی حذف شوند. (رفیع پور، ف. 1387. صص: 339-340).

یکی از محققین مراکشی در رابطه با این کتاب و نظریات آقای مارتین کور می گوید: ما باید متواضع باشیم و از تجربیات دیگران استفاده کنیم، ما باید کار آرایمان را بالا ببریم، از وضعیت اقتصادی جهان موجود تا حد امکان استفاده کنیم، باید مسئولیت قبول کنیم و وضعیت زندگی مردم را از فقر به غنا تبدیل کنیم، باید واقع گرا باشیم و موقعیت جهانی خودمان را بدانیم و بعنوان یک همکار در موقعیت جهانی، محل خودمان را تقویت کنیم، باید از دیگران یاد بگیریم و هر روز بر

داده های خودمان نسبت به روز گذشته اضافه کنیم و برنامه ریزی کنیم تا وضعیت کشورمان را تغییر بدهیم. ما می دانیم که وضعیت و جایگاه ما در سازمانها به چه شکل است لذا باید به هر طریق در موقعیتی قرار بگیریم از نظر سطح زندگی تقویت کنیم، سازمانهای بین المللی را می دانیم، می توانیم با آن بعنوان همکاری موقعیت خودمان را تقویت کنیم، می دانیم که اقتصاد بازار در بعضی قسمت ها می تواند کار کند اما باید محیط مناسب ایجاد بشود تا اقتصادمان کار کند ما مردم خودمان را می شناسیم باید به حرف آنها گوش بدهیم و هر کسی را در جای مناسب خودش قرار بدهیم، باید به آن ها ارزش بدهیم و از منابع ملی خودمان که سرمایه های انسانی هستند استفاده کنیم تا اینکه یک جامعه بهتری داشته باشیم.

جامعه ما در طول تاریخ تهاجم های زیادی داشته و حتی مستشرقین به عناوین مختلف در میان جامعه ما یا القاء کردن یا شخصا حضور داشتند. خوب یک مقداری تشدد در خود جامعه هم ایجاد کردند که بر افکار و صحبت های مردم تاثیر گذاشته اند. اینکه واقعا جامعه ایرانی آنچه که الان به عنوان اعتدالی بود که از قدیم بود آیا این همان نیست که خداوند در قرآن می فرماید: (فترت الله التي ...) اصل آن عدالت یا آن خیر خواهی جوانمردی طبیعی بود که خداوند تمام انسان ها را عدالت خواه خواسته.

درست است که من ایرانی هستم و افتخار می کنم که ایرانی هستم و مسلمان، و همه طبیعت آفرینش این هست که خدا همه را عادل آفریده لذا مخصوص یک قومش نیست.

اگر ما تحولات فرهنگی جهان را مبنا قرار بدهیم چیزی بعنوان جهانی شدن، یک سرابی بیش نیست و نظریه جهانی شدن در مرض فروپاشی قرار می گیرد. چون نظریه جهانی شدن می خواهد نظریه ای برای یک عرصه نباشد بلکه برای عرصه ها باشد و اگر نظریه جهانی شدن نتواند بعضی از عرصه ها را توضیح بدهد بنا براین به لحاظ نظری آن نظریه توضیح دهنده کل عالم نیست. بلکه مبین یک تحول کیفی در عرصه حاضر است و در تاریخ جهان است و در تاریخ بشریت است. تحولات و ساز و کارها و رخداد های جهان فرهنگ نشان می دهد که فرهنگ جهان یک کاسه نشده هیچ بلکه دارد بشدت به سمت تشعب و تفرق و تکثیر حرکت می کند و در نتیجه ما چیزی به اسم فرهنگ جهانی نمی توانیم داشته باشیم. هویت ملی به مفهوم حکومت سیاسی واحد مشترک و خوب که پدیده جدیدی است و در هیچ جامعه قدیمی نیست در گذشته های دور اگر بگردیم صرفا یک آثار و خاطره هایی خوب وجود دارد ولی چیزی که بصورت جدی وجود داشته باشد مشاهده نخواهد شد وقتی یک پدیده جدید است میتوان از آن عبور کرد تحول پیدا کند و پیشرفت کنیم. این موضوع هم به قرن گذشته بر می گردد در ایران هم همین طور است اما حس ملی مان

مربوط به 7 قرن است حب وطن همیشه بوده و این غیر از حس ملی است که منجر به حکومت سیاسی واحد شده است.

در طول 7 قرن هم تحولات عدیده ای را به خود دیده است که جای بحث دارد و رسیدیم به جایی که داریم یک حس فراملی پیدا می کنیم. بحث این است که یک حس جهانی شدن در شرف پیدا شدن است و بالاتر این جهان حذف نمی کند حس ملی را بلکه از آن عبور می کند و بالا تر می رود بنحوی که بتوان گفت حالت تکامل یافته آن است و یا اینکه مقطع جدیدی شروع می شود که به جای خود محفوظ است.

جهانی شدن فرایندی پیچیده و اجتناب ناپذیر است که در عرصه اقتصاد، سیاست و فرهنگ تغییرات عمده ای ایجاد کرده است که به زعم بسیاری از اندیشمندان، حوزه فرهنگی جدی ترین و مهمترین عرصه جهانی شدن است. با توجه به وضعیت فرهنگی جامعه ایران و تمدن کهن آن، باید به امر فرایند جهانی شدن به شکل جدی پرداخت و با مشخص گردیدن وضعیت و جایگاه فرهنگ ایرانی و فرایند جهانی شدن به سیاستگذاری فرهنگی مناسب و مطلوب همت گماشت، تا جوانان این مرز و بوم در این دنیای پیچیده فرهنگی دچار بحران و سرگردانی فرهنگی نشوند، و در این صورت می توان به توسعه و پیشرفت جامعه ایران امیدوار بود. با توجه به گذشته و تاریخ ایران، به نظر می رسد که ایرانیان در زمینه فرهنگی بیشتر دارای رویکرد «عام گرایی فرهنگی» بوده اند و توانسته اند از فرهنگهای مختلف و متنوع اطراف خود استفاده کرده و به ادغام فرهنگی دست زده و به نتایج مطلوب دست بیابند و شاید راز ماندگاری این فرهنگ کهن، همین باشد.

«پایان»

## منابع و ماخذ

- 1) آذری نژاد، (1385/6/7). جهانی شدن فرهنگ. تارنما 20k-30.aspk-30-  
dehdashtman.blogfa.com/post
- 2) ادیسی، (1383). جهانی شدن و فرهنگ. مقاله ارائه شده در: سومین همایش علوم انسانی و هنر. آذر 1383. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارک. چاپ مقاله کامل در: CD مقالات برگزیده همایش.
- 3) افروغ، ع؛ نصری، ق و دیگران. (پاییز 1381) فصلنامه مطالعات راهبردی. پژوهشکده مطالعات راهبردی. سال چهارم. شماره سوم. شماره مسلسل 13. پاییز
- 4) چشمه خواور، ص. (مرداد 1385). جهانی شدن و کشور های منطقه جنوب. تارنما: [bigdeli.ertebatat.org/](http://bigdeli.ertebatat.org/)
- 5) جادی. (پاییز 1381) "کالبد شکافی یک خبر؛ جهانی شدن". سایت اینترنتی [www.jadi.net](http://www.jadi.net)

- 6) دهشیری، م. (مرداد 1385). اسلام و جهانی شدن. تار نما: k266-3839= [did.ir/directory/index.fa.asp?parent](http://did.ir/directory/index.fa.asp?parent)
- 7) رابنسون، ر. (1380). جهانی شدن؛ تئوریهای اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی. تهران: نشر ثالث. 1380
- 8) رجایی، ف. (مرداد 1385). مشکل هویت ایرانیان امروز. تار نما: k23-19/book [www.forough.net](http://www.forough.net)
- 9) رحیم پور از غدی، ح. (1385/6/29). جهانی شدن و مسلمانان معاصر. تار نما: [www.aviny.com](http://www.aviny.com)
- 10) رحیم پور از غدی، ح. (1385/6/29). اما واقعا کدام فرهنگ مستحق جهانی شدن است. تار نما: [www.aviny.com/article/azghadi/jahan\\_mosle.aspx-31k](http://www.aviny.com/article/azghadi/jahan_mosle.aspx-31k)
- 11) رفیع پور، ف. (1378). آناتومی جامعه، مقدمه ای بر جامعه شناسی کار بردی. چاپ اول. تهران. شرکت سهامی انتشار. 11
- 12) رنجبریان، ر و رنجبریان، ل. (1383). جهانی شدن اقتصاد و تحولات بازار. مقاله ارائه شده در: سومین همایش علوم انسانی و هنر. آذر 1383. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک. چاپ مقاله کامل در: مقالات بزرگ همایش.
- 13) طیبی، ح. (1374) مبانی جامعه شناسی و مردم شناسی ایلات و عشایر. چاپ دوم. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- 14) سلیمی، ح. (مرداد 1385). نظریه های مختلف درباره جهانی شدن. تار نما: [www.globalization.ir/html/modules.php?op=modload&name=news&file=article&sid=13](http://www.globalization.ir/html/modules.php?op=modload&name=news&file=article&sid=13)
- 15) عظیمی حسینی، س. ر. (1384/3/2). فرایند جهانی شدن، فرصت یا تهدید. روزنامه اطلاعات. شماره 23347. ص: 19.
- 16) فتح الهی، م. (مرداد 1385). جهانی شدن: هویت ملی. تار نما: [did.ir/directory/index.fa.asp?parents=3839](http://did.ir/directory/index.fa.asp?parents=3839)
- 17) فیتزپتریک، ت. (1381) نظریه رفاه. ترجمه هرمز همایون پور. تهران: انتشارات موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی و گام نو.
- 18) قراگوزلو، م. (خرداد و تیر 1381). "جهانی شدن". اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره 177-178.
- 19) قوام، ع. (مرداد 1385). جهانی شدن و جهان سوم. تار نما: [www.globalization.ir/html/index.php?op=modload&name=news&file=article&sid=1](http://www.globalization.ir/html/index.php?op=modload&name=news&file=article&sid=1)



- 20) کچوئیان، ح. (مرداد 1385). معضله آفرینی فرهنگ برای جهانی شدن تار نما: [www.globalization.ir/html/modules.php?op=modload&name=news&file=article&sid=13](http://www.globalization.ir/html/modules.php?op=modload&name=news&file=article&sid=13)
- 21) کلاتنری، ع. (اسفند 1381). سخنرانی در مراسم افتتاحیه همایش ملی کشاورزی پایدار در ایران. دانشگاه آزاد اسلامی و رامین پشوا.
- 22) گریفین، کیت. (1381). مروری بر جهانی شدن و گذار اقتصادی. ترجمه محمد رضا فرزین. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- 23) گل محمدی، (1381). جهانی شدن، فرهنگ، هویت، نشر نی. تهران.
- 24) گیدنز، آ. (1380). جهان رها شده؛ گفتار هایی در باره یکپارچگی جهان. ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب. تهران انتشارات علم و ادب.
- 25) گیدنز، آ. (1387). ترجمه منوچهر صبوری. چاپ پنجم. تهران. نشر نی.
- 26) لهسائی زاده، ع. (1379). جامعه شناسی توسعه روستائی. چاپ اول. شیراز. نشر زر. 144 صفحه.
- 27) لهسائی زاده، ع. (1381). جامعه شناسی توسعه. انتشارات دانشگاه پیام نور. تهران.
- 28) لهسائی زاده، ع. (25-23 تیر ماه 1383). راههای توسعه فرهنگ محیط زیست. مقاله سخنرانی در: اولین کنفرانس ملی راهکارهای توسعه فرهنگ محیط زیست. فرهنگستان علوم ایران و انجمن ملی مهندسين شیمی ایران. تهران.
- 29) مرادی، م. (1383). گذری اجمالی بر سازمان تجارت جهانی (WTO) و ایران. مقاله ارائه شده در: سومین همایش علوم انسانی و هنر. آذر 1383. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک. چاپ مقاله کامل در: cd مقالات برگزیده همایش.
- 30) عتمدنواد،. (1385/4/24). تنوع فرهنگی در جامعه اطلاعاتی. روزنامه جام جم. شماره 1765. ص: 9.
- 31) واترز، م. (1379) جهانی شدن. ترجمه اسماعیل مردانی گبوی و سیاوش مریدی. تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی. تهران.
- 32) ولتون، د. (مرداد 1385). جهانی شدن دیگر. ترجمه: محمد رضا نیستانی. تار نما: [otherglobalization.persianblog.com/](http://otherglobalization.persianblog.com/)

## عنوان: آسیب شناسی وحدت و انسجام اسلامی

منصور نیک پناه ، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان

### چکیده

وحدت و انسجام اسلامی در کلیه عناصر و موجودات اسباب تکامل و ترقی است علی الخصوص برای انسان که خود مظهر خرد و نماد اندیشه است. انسجام کلیه ی ملل و آرامش و صلح هدف متعالی است که نامتصور است. اما اتحاد مسلمین و انسجام ملت ایران با عنایت به چشم هایی که دوخته شده است و دستهایی که گشوده گردد یک هدف ضروری و واجب است. در این مقاله نویسنده به آسیب هایی که اتحاد و انسجام اسلامی و ایرانی را تهدید می نماید پرداخته، سپس راهکارهایی که امت واحده را محقق می نماید، پیشنهاد شده است. آسیب هایی که سالهاست ملل اسلامی را پیکره ای ضعیف و ناتوان کرده است.

کلید واژه ها: وحدت، اتحاد، انسجام، آسیب ها.

### پیشگفتار:

اتحاد و وحدت رمز تکامل فرد و اجتماع است. فرد به کمک جمع به کمال می رسد و نقاط ضعفش پوشیده می شود تجارب جمع فرد را از خطا و لغزش مصون نگه می دارد؛ هر چه انسجام افزونتر، محبت، کمال طلبی، ترقی، همیاری... نمود چشمگیرتری خواهد داشت. مطالعه در تاریخ امم و قبایل نشان دهنده تاثیرات شگرف و عمیق وحدت و

انسجام است. از طرف دیگر، تبعات تفرقه و اختلاف همچون سم مهلك سبب از هم پاشیدن جوامع و تمدن ها می گردد. تاریخ آئینه ی عبرت است. همچنانکه قرآن بارها ما را سفارش می نماید: ولاتكونوا كالذين تفرقوا و اختلفوا من بعدها جاهم اللینات. (انفال، 46) بنا بر همین است که متذکر می شود و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحكم (انفال 46). اینهمه تذکار برای چیست؟ چرا قرآن و حدیث به کرات ما را دعوت به انسجام و وحدت می نماید و از تفرقه بر حذر می دارد. یقیناً نگرانی از اینست که مبادا ذخایر با شکوه و افتخارات اسلام و مسلمین به راحتی زایل گردد. ولی افسوس که آمد به سرم از آنچه می ترسیدم. مسلمین هر چه از دوره پیامبر اسلام فاصله می گیرند، اختلاف و دو دستی بلکه چند دستی همچون خوره به تندی سترگ و عظیم درخت اسلام می افتد و از اوج عزت به حضيض ذلت افتاده مشتی جهانخوار و مستکبر علی رغم جمعیت قلیل بر خیل کنیر مسلمین سایه ی شوم استثماری خویش را پهن کرده لحظه به لحظه و روز به روز با وسیله ای تازه و توطئه ای جدید در پی آن هستند که شکاف بین امت اسلامی را بیشتر و زمینه ی غارت سرمایه ی آنها را مساعدتر نمایند. در چنین شرایطی هوشیاری محل مسلمان و بازگشت به سنت حسنه و سیره ی مبارک نبی مکرم اسلام و ائتلاف قلوب و مهریزی از یک سو و وحدت و انسجام ملت ایران و اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر آنها برگ برنده ای است که اسباب موفقیت آنها را رقم می زند.

### واژه وحدت و اتحاد و تعریف آن

وحدت و اتحاد به مفهوم یکی شدن و گرایش و تمایل به یکدیگر است. راغب اصفهانی میگوید: الوحده الانفراد و الواحد فی الحقیقه هو الشئ الذی لاجزاء له البته. (راغب

اصفهانی، ص 514)

« واحد چند جور به کار رفته است: واحد در جنس همچون انسان و خرس، واحد در نوع مانند: زید، عمرو که در نوع واحدند، واحد بالا اتصال و یا از حیث صنعت واحد است مانند حرفه واحد، واحد در خلقت است به علت بی نظیری همچون الشمس واحد یا در فضیلت واحد است: فلان واحد و گاه واحد یعنی مبدء عدد: واحد، اثنان... ولی احد چنانچه به طور و صف به کار رود باید گفت: لا یو صف به غیر ا... تعالی، هو الواحد و هو الاحد لا اختصاصه بالاحدیه ..» (علوی مقدم، ص 73)

علامه شیخ محمد نجار در مجله الازهر: وحدت در لغت به معنای یگانه بودن، یکی بودن است ولی هم اکنون این کلمه به معنای اتحاد و یکی شدن دو چیز و بیش از دو چیز به کار میرود و مثلاً می گویند: وحدت دولتین، وحدت قوانین تجارت. ابوالبقاء: الواحده کون الشیء بحیث لا ینقسم و تطلق ویراد بها عدم التجزیه و الانقسام. (حجازی، ص 32)

استاد مطهری در تعریف اتحاد و وحدت می گوید: منظور حصر مذاهب به یکی و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مقزقات آنها که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی است. منظور این دانشمندان، متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان. (وزارت ارشاد اسلامی، ص 322)

در عین حال واژه اتحاد و وحدت را می توان با واژه هایی از قبیل: انسجام، تعاون، همکاری، همیاری، هم آهنگی، همسانی، نوع دوستی، یگانگی، الفت، محبت، جماعت، ... مرتبط دانست.

اتحاد و انسجام مطلوب ترین نماد طبیعت:

اتحاد و انسجام در هر شکلش اتفاق بیفتد، اسباب کمال است، حتی بین اشیاء عناصر بی جان. بنابراین متوجه می شویم که مبنای عالم بر اتحاد و یگانگی استوار شده است.

توضیح آن که اگر یک اراده و یک نظام هم آهنگ بر این عالم حکمفرما نباشد و یک هدف مورد نظر نباشد به پرتگاه نیستی و نابودی سقوط می کند و تباه می گردد و چنانچه الفت و اتحاد بین ذرات هر شی ایجاد نشود آن شی وجود خارجی پیدا نمی کند. « دانشمندان می گویند: اتم و هسته و الکترونها بی اندازه کوچکند. اتم در حدود یکصد میلیون سانتیمتر  $\frac{1}{100/000/000/000}$  قطر دارد. اگر بخواهیم تعداد اتمهای موجود در ته یک سنجاق را بشماریم بالغ بر یکصد میلیون تخمین زده می شود. اگر اتمها اولیه اشیا بهم نمی پیوست آن اشیا به وجود نمی آمد. (صانعی، ص 153)

این وضعیت در بین حیوانات به نوع پیشرفته تر قابل مشاهده است. « بسیاری از انواع پرندگان به طور دسته جمعی زندگی می کنند و نیز انواع زیادی از آنها به حالت اجتماعی به گردش می پردازند. آهیوان زندگی جمعی دارند و تا اندازه ای از انتظامات ساده برخوردارند و هم آهنگ هستند هر دسته رئیسی دارد که آنها را رهبری می کند و در مواقع خطر هشدار می دهد.

#### اتحاد و انسجام در جوامع بشری :

انسان به عنوان فکورترین آفریده ی الهی و متکامل ترین آنها برای دست یافتن به انسجام بیشتر، ابزار بهتری در دست دارد که همانا عقل و اندیشه و استدلال و منطق است. لذا وحدت در محافل علمی بشری از دیدگاه مختلف مورد بحث و گفتگو واقع شده است.

#### وحدت و اتحاد در فلسفه :

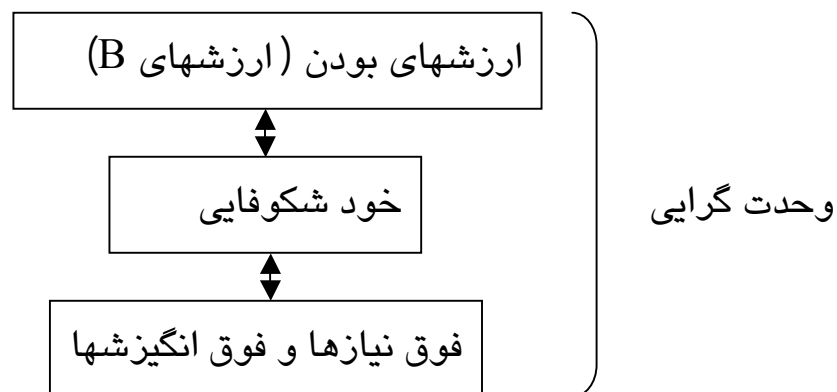
وحدت را مقابل کثرت می دانند و گفته اند: وحدت از اموری است که قابل تمديد و تعريف نمی باشد مگر به مقابله با کثرت. البته از بحث وحدت در جنس و وحدت در نوع و وحدت در کیف و وحدت در کم و وحدت در وضع و در اضافه صرف نظر می شود و نیز از وحدت وجود و تفاوت میان عقیده الهیون و طبیعیون می گذاریم. (ر.ک، علوی مقدم، ص 49)

#### وحدت و اتحاد در جامعه شناسی :

یکی از نظریات متداول و معتبر در جامعه شناسی نظریه تقابل (conflict) است که به توسط جورج زیمل ، ماکس وبر ، دارو ندورف و کوزر ، ... پیش کشیده شد . در این نظریه اساس کنش متقابل اجتماعی می پردازد . زیمل بین اشکال (Forms) و نمونه های اجتماعی (social types) تمایز قائل است . وجود قطبهای مختلف در کنش و واکنش ( عشق و نفرت ، شادی و غم ، ... ) سازنده جامعه واحد می باشد . روابط تقابلی خودبخود موجب ساخت اجتماعی نمی گردند ، بلکه در سایه همکاری و اتحاد نیروهاست که جامعه سازی امکان پذیر می گردد.

#### وحدت و اتحاد در روانشناسی :

کسانی از قبیل اریک فروم و ما زولو جزء نظریه پردازان بزرگ به حساب می آیند اریک فروم نقش برجسته ای را که او به فرهنگ در شکل دادن شخصیت می دهد ، مشاهده کرده ایم ، او معتقد است : با انتخاب درست می توانند جامعه ای هماهنگ و یکپارچه داشته باشد . نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو : براساس این نظریه ، اصل منحصر به فرد کل نگری که انگیزه های چندگانه انسان را به هم می پیوندند این است که زمانی نیاز ضعیف تر به طور کامل اشباع شود نیازی عالی تر سر بر می آورد .



## فصل اول :

### آسیب شناسی اتحاد و انسجام

اختلاف همواره بد نیست :

قبل از ورود به بحث تفرقه و آشفتگی که بین امام اسلامی حادث گردید و اختلافاتی که دشمنان در داخل ممالک به دامن زدن آنها می پردازند قابل ذکر است که اختلاف اگر معقول باشد ، اشکالی ندارد . « اختلاف امتی رحمه » . « اختلاف معقول انسان ها امری طبیعی است و گردآوری همه مردم بر یک مذهب در اندیشه و نتیجه گیری کاری بس دشوار است » (غزالی ، ص 75)

در قرآن هم اختلاف را حکمت می داند . « و من آیاته خلق السموات و الارض و اختلاف السننکم و الوانکم آن فی ذلک لایات للعالمین » (روح ، 22) و گاه نعمت است . « چنانچه نگاه صحیحی بر اختلافات خدادادی حاکم باشد ، تفاوت ها نعمت خواهند ، اما آن چه مورد تاکید قرآن است ، این است که این تفاوت ها نباید مایه فخر و برتری باشد ، بلکه برتری تنها به تقوا است . (مکارم شیرازی ، ج 22 ، ص 204)

اصلا وجود اختلاف طبیعی است و به طور مطلق قابل بر طرف کردن نیست . « اختلاف بین طرفداران دو عقیده بر اثر تعصبات یک امری است که هست و طبیعی است . مخصوص شیعه و سنی هم نیست بین فرق شیعه خودشان بین فرق سنی خودشان .. در طول زمان از این اختلافات وجود داشته است » (رهبر انقلاب ، رهنمودهای ولایت ، ص

(15)

صرف وجود اختلاف باعث بغض و کینه نیست در هیچ فرقه ای از فرق اسلامی از جمله شیعه و سنی . « ما شیعه هستیم با اهل سنت اختلاف داریم و آنها هم با ما اختلاف دارند ، ولی آیا این اختلاف ها باید به بغض و عدوات منجر شود . آیا لازم است که ما به رهبران آنها توهین کنیم تا آنها هم به اهل بیت توهین کنند و این جنگ به خاطر این اختلافات ادامه پیدا کند» ( محسنی ، ص 22 )

### سابقه ی آفات اتحاد مسلمین

تفرقه و اختلاف غیر منطقی آسیبی جدی است به ساحت وحدت و انسجام ملی و مذهبی که پس از وفات پیامبر اسلام چهره نمود در شکل زیر نشان داده می شود .

جانشینی پیامبر اسلام و سقیفه ی بنی ساعده

دوران خلافت عثمان

دوران امامت حضرت علی و گروه های : ناکثین - مارقین - قاسطین - گوشه گیران و

اعتزالیون

شعوبیه

امویان

عباسیان

تفرقه در بین مسلمانان در اروپا و از دست دادن سیسیل و اندلس

ایجاد فرقه کلامی

فرقه گرایی با تمایزات : جغرافیایی - اقلیمی - فکری - اعتقادی

حمله مغول و تشدید فرقه گرایی



هرج و مرج و اختلال در سرتاسر ایران و مبارزه بین حاکمان سنی مذهب و سربرداران شیعه و حمله

تیمور (میر جعفری، ص 7)

اختلافات صفویه، عثمانی و دخالت عناصر بیگانه

پس از ایجاد تفرقه حملات مستقیم نظامی

تصرف: الجزایر، عدن، تونس، مصر، سودان، کویت، لیبی، مراکش، شیخ نشین ها

فروپاشی عثمانی

ظهورپان ترکیسم وپان عربیسم و تحریک سرآرتور مک ماهون انگلیسی شریف حسین

را برای قیام بر علیه ترکها

ظهور و نفوذ صهیونیسم (امانوئل قره سوافندی) در دولت عثمانی و خرید اراضی

فلسطینی

تفرقه مسلمین و فدا شدن فلسطین

حمله عراق به ایران

حمله عراق به کویت

حمله آمریکا به افغانستان و سپس عراق

(ر.ک. وزارت ارشاد، ص 330 و علوی مقدم ص 188؛ کتاب وحدت - حلبی، تاریخ

تمدن، و، هاشم زهی، ص 592)

آسیب شناسی اتحاد و انسجام

عوامل مختلفی سبب ایجاد تفرقه و در هم شکستن انسجام مسلمین و ملت ها گردیده

است.

بزم خود را تو ز هم پاشیده ای

امتی بودی امم گردیده ای

آنچه تو با خویش کردی کس نکرد روح پاک مصطفی آمد به درد (اقبال لاهوری)

در ذیل به بعضی از این آسیب ها اشاره می گردد .

## الف - عوامل فرعی

### 1- اختلاف مذاهب

تعدد مذاهب فی النفسه فاجعه نیست (حجرات ، 13) مگر اینکه جماعت مسلمان و ساکنان یک سرزمین قصد تخریب و سرکوب نمودن طرف مقابل را داشته باشند و در این راه مذهب را مستمسک خویش قرار دهند . یکی از بارزترین نمونه های اختلاف در بین پیروان اسلام مخالفت هایی است که هرازگاهی به اشکال مختلف و با شعار سنی و شیعه بروز می نماید و منجر به برادر کشی و مقابله با یکدیگر می شود.

### - شیعه و سنی

تاریخ ایران و جهان اسلام نشان دهنده جنگها و کشتارهایی که بنام یکی از این مذاهب بر علیه دیگری صورت گرفته است . قدرت طلبی و اقتضای سیاست شاید بهترین عامل در بروز چنین نزاعها و اختلافاتی است . در حالیکه اگر به کلام بزرگان و پیشگامان فریقین مراجعه نمائیم متوجه می شویم که نشانه ای از تحقیر ، تکفیر تفسیق و تخریب طرف مقابل در آن نمی توان یافت .

### اهل سنت مسلمانند (از نظر شیعه)

امام صادق(ع) می فرماید : اسلام عبارت است از شهادت به توحید و تصدیق به رسالت محمد (ص) که به واسطه ی همین دو ، خون مسلمانان محفوظ می گردد و مقررات نکاح وارث جاری می شود و اهل سنت بر همین ظاهر هستند . (موسوی عاملی ، ص 41)

امام باقر (ع) : اسلام همین گفتار و کردار ظاهری است که می بینی همه مذاهب اهل سنت بر آنند و به واسطه ی آنها خونها محفوظ می ماند و مقررات نکاح وارث بر قرار می گردد و همه نماز می خوانند و زکوه می دهند و روزه می گیرند و حج می روند و به این جهت از کفر بیرون آمده به ایمان نسبت پیدا می کنند. (همان ، ص 42)

### شیعیان اهل نجاتند ( از نظر اهل سنت )

عارف شعرانی در بحث 58 از کتاب الجواهر می گوید : خود خط شیخ شهاب الدین اندر اعی را دیده ام که از شیخ الاسلام تقی الدین سبکی به این صورت سوال کرده بود ، مولانا بفرمائید نظر شما در کافر دانستن اهل اهواء و بدع ( روافض و شیعه ) چیست ؟ گفت : بدان ای برادر ای برادر حکم کردن به کفر مومن بسیار مشکل است... (همان ، ص 57)

امام شافعی : لا اکفر اهل الاهواء بذنب و بازگوید : لا اکفر احد من اهل القبلة بذنب . ابن حزم می نویسد : جمعی از علما بر آنند که مسلمان را به واسطه ی اعتقاد یا فتوایی نمی توان تکفیر و تفسیق کرد و همین نظر ابن ابی لیلی ، ابو حنیفه ، شافعی و سفیان ثوری و داود بن علی و هر کس را که ما از صحابه در این مسئله صاحب نظر دیدیم و مخالفی در این مسئله سراغ نداریم . (مدیر شانه چی ، ص 93)

شیخ الاکبر ابن العربی صاحب فتوحات : بپرهیزید از دشمنی با اهل لا اله الا... زیرا چون دارای ولایت عامه هستند از دوستان خدا محسوب می شوند . (موسی عاملی ، ص 59) .  
رشید فاضل نویسنده المنار : بزرگترین مصیبتی که دامن گیر فرق اسلامی گردید آن بود که یکدیگر را فاسق و کافر خواندند با آنکه همگی از راه اعتقاد مذهبی خود طالب حق بوده ... (همان ، ص 60)

### سلوک اصحاب ائمه با یکدیگر در نهایت احترام بود

- سکونی (اسماعیل بن زیاد) از رجال اهل سنت از ثقات علمی امام صادق (ع) بود .
- عبدالملک بن هارون شیبانی بن هارون شیبانی کوفی شیعه نبوده وی از روات شیعه نقل حدیث می کرده و آنان نیز از او استماع کرده اند .
- فضیل بن عیاض بصری که اصلاً اهل خراسان بوده است و ثقات اصحاب حضرت صادق (ع) است و با اینحال سنی مذهب است .
- ابوالختری که سنی مذهب بوده و منصب قضاوت داشته و با هارون الرشید مخالفت و معاشرت می نموده است . وی از اصحاب حضرت صادق (ع) می باشد .
- سلیمان بن خالد از قرا و فقها و موجهین بوده است و افتخار شاگردی حضرت باقر (ع) را داشته با اینکه زیدی مذهب بوده است .
- ضحاک بن محمد بصری با اینکه سنی است کتابی از حضرت صادق (ع) نقل کرده است
- ...

بسیاری از موارد ذکر شده نمی تواند باعث اختلاف باشد .

امامت از مهمترین مسائلی است که مانع تخریب گردیده است . اما با بررسی دیدگاه اهل سنت این مورد نمی تواند باعث اختلاف باشد . «عضد الدین ایجی : و الا امامه عندنا من الفروع و انما ذکرنا ها فی علم الکلام تا یسا بمن قبلنا» (مواقف ، ص 395)

«تفتازانی : لانزاع فی ان مباحث الامامه بعلم الفروع ... جای سخن و گفتگو نیست که امامت به فقه ارتباط بیشتری دارد زیرا جز این نیست که ایجاد امامت با نصب پیشوایی که دارای صفات مخصوص باشد از واجبات کفایی است و واجب کفایی آن رشته اموری

است که مصالح دینی و دنیوی مسلمانان به آن بستگی کامل دارد و امور مسلمین در پرتو آن تنظیم می شود.» (سبحانی، ص 83)

«مثلاً اعتقاد به خلافت عمر بن عبدالعزیز باعث تفرقه اهل سنت نشده است یا ترک مستحبات بخاطر توقیر و حرمت مذهب دیگر در تاریخ نمونه دارد.» (همان، ص 85)

بنابراین متوجه می شویم که تفرقه و اختلاف در بین مسلمین به هیچ وجه اساس و پایه ای ندارد. بنابر همین است که رهبر انقلاب می فرماید: «این عواملی که اختلاف می کنند نه شیعه اند و نه سنی، نه به شیعه علاقه دارند و نه به تسنن. نه مقدسات شیعه را قبول دارند نه مقدمات سنی را.»

#### راهکارهای مصالحه

1- هر دو فرقه در مورد مصونیت و ماندگاری قرآن اتفاق نظر دارند 2- سنت دومین منبع اصلی مسلمین است 3- اختلافات قرون قبل را در قالب تحقیقات علمی و عبرت آمیز مورد بررسی قرار دهند 4- براساس اصول مشترک فراوانشان به آینده ی خود روی آورند.

#### 2- اختلاف ملیت و نژاد

ملت و مذهب در اسلام نه سبب فخر است و نه عامل برتری. پیامبر اسلام: «لا فخر لعرب علی عجم و لا بیض علی الاسود.» (مدیر شانه چی، ص 83)

در قرآن سوره آل عمران وجود قبایل و شعوب را تعارفوا می داند نه دلیل برتری و فخر. «در اسلام بر خلاف مبانی حقوقی معاصر که براساس تابعیت می شوند، اختلاف نژاد، زبان و سایر عناصر دیگر، سبب اختلاف در برخورداری از حقوق اجتماعی نیست. در قوانین اسلامی تابعیت و ملیت براساس خون، زبان، خاک و سایر عناصر مادی دیگر

استوار نیست ... در بسیاری موارد به اقلیت های زبانی یا مذهبی به چشم بیگانه نگریسته شده و بیگانه یا غیر خودی نیز کسی بوده که خون، زبان و مذهب وی با شخص حاکم یا اکثریت مردمان ساکن در یک سرزمین مطابقت نداشته است. (زنجان، صص 8 و 20) بنابراین همین خون و مال غیر مسلمانان محترم شمرده می شود. «این معاهده در فقه اسلامی با عنوان معاهده ذمه شناخته شده و در منابع معتبر فقهی جزئیات آن آمده است. نمونه بارز آن معاهده مشترکی بود که پیامبر در بدو ورود به مدینه با یهودیان منعقد ساخت. (رفیعی، ص 70)

### 3- اختلاف زبان

برابر آمارها، زبان های شاخه آریایی، شامل: فارسی، کردی، بلوچی و گویش های مختلف آنها حدود 78% زبان های ترکی (آذری و ترکمنی) 20% و عربی و سایر زبان ها 2% در میان مردم رایج است. (تئولوگ کام، ص 1997). البته برابر اصل پانزدهم قانون اساسی ایران زبان رسمی کشور فارسی است و بقیه زبان ها دارای اعتبار محلی و حرمت قانونی هستند. همه اقوام می توانند در محاوره های روزمره خود، فعالیت های آموزشی و فرهنگی محلی خود از زبان خویش استفاده و یا در مسیر رشد، پویایی و بالندگی آن تلاش کنند. (احمدی، محمدرضا، فصلنامه پیام)

آنچه مهم است اینکه هیچ یک از این موارد دستاویز اختلاف و تفرقه نمی تواند باشد.

اختلاف لهجه ملیت نژاد بهر کس ملتی با یک زبان کمتر به یاد آرد زمان

گر بدین منطق تو را گفتند ایرانی نه ای صبح را خواندند شام و آسمان را

ریسمان (شهریار)

## 4- تعداد دولتها

وجود دول اسلامی به تنهایی سبب اختلاف نیست بلکه اگر حب جاه و استغراق در مفاسد آنها در بر گیرد و تحت تاثیر وسوسه های بیگانگان قرار گیرند ، می تواند اسباب شکاف مسلمین را فراهم سازد . امام خمینی (ره) این مورد را یکی از عوامل اختلاف مسلمین بر می شمارد . (امام خمینی ، ص 25)

## 5- اختلافات علمی

اگر به صورت منطقی برخوردگر نه تنها سبب شکاف نیست ، بلکه باعث پیشرفت امم اسلامی می گردد.

## 6- اختلافات عاطفی :

طرفداری متعصبانه و کورکورانه از یک شخصیت و ترد و تخریب دیگران به خاطر آن پسندیده نیست .

## 7- اختلافات کلامی

علاوه بر اختلافاتی که بین فریقین می تواند مشاهده کرد . در بین خود این مذاهب نیز می توان اختلافات کلامی ملاحظه نمود . از قبیل اختلافاتی که در بین فرق اشعری ، ماتریدی و معتزله وجود دارد . همچون:

- 1- قرآن قدیم است یا حادث 2- افعال بندگان مخلوق خداست یا مخلوق انسان 3- خدا در سرای دیگر قابل رویت هست یا نه 4- هرگز اسلام و ایمان وابسته به آنها نیست .» ( سبحانی ، ص 81)

یا تفاوت‌هایی که بین فرق اثنی عشری، زیدی و اسماعیلی قابل مشاهده است. خود این اختلافات اسباب تفرقه نیست. دامن زدن به آنها و علم نمودن آنها و بزرگ نمایی عیب شمرده می شود.

ب: عوامل اصلی:

### 1- جهل متقابل

یکی از عوامل اصلی اختلاف فرق اسلامی در ممالک مختلف در طول تاریخ بوده است. آدم جاهل به راحتی قابل تصرف است. بازیچه ی دست هر فرد مغرض و سودجویی است. سریع الاشتغال و غیر منطق و متعصب است. اگر مسلمین نسب به یکدیگر آگاهی داشتند. بسیاری از عوامل تفرقه کنار نهاده می شد. بنابر همین است که سید شرف الدین عاملی می گوید:

«المسلمون اذا تعارفوا تالفوا» (واعظ زاده خراسانی، ص 202). نا آگاهی از عقاید

یکدیگر از عوامل مهم اختلاف مسلمین است. (سبحانی، ص 80)

همچانکه سعدی می گوید:

دو عاقل را نباشد جنگ و پیکار      نه عاقل می ستیزد با سبک بار

اگر نادان به تندی سخت گیرد      خردمندش به نرمی دل بجوید

و گر بر هر دو جانب جاهلانند      اگر زنجیر باشد بگسلانند

### 2- تهمت و افترای پیروان مذاهب به یکدیگر

منسوب کردن فرقه مقابل به کفر، ارتاد، فسق، ... امر پسندیده ای نیست. «در صحیح مسلم نقل است که حتی اگر به اندازه ی یک دانه ی خردل در دلش ایمان باشد آتش بر او حرام است. عثمان به نقل از پیامبر اسلام می فرماید: کسی که بمیرد و بداند که خدایی



نیست جز خدای یکتا وارد بهشت می شود. (موسوی عاملی ، صص 54-44) در صحیح بخاری بارها احادیث و روایاتی از این نوع وارد گردیده است. (بخاری ، باب ایمان ) در موطا ابن ملک مذکور است که رسول اکرم می فرماید : من کفر مومنا صار کافرا (مدیر شانه چی ، ص 91)

### 3- بدعت :

بدعت و نوآوری در علم و فن آوری امری است پسندیده ولیکن بدعت در دین و فرقه سازی و ابداع در عبارات سبب تفکیک و دوری مسلمین از یکدیگر می گردد. « يجب التمییز بین البدعه المحرمه و هی ما کانت فی العقائد و العبارات و الحلال و الحرام و بین الابداع فی شوون الدنیا فهو مطلوب .» (عمار ، ص 61) بارها ائمه و بزرگان دین مسلمین را از بدعت در دین نهی کرده است

من احدث فی امرنا هذا مالیس فیہ فهو رد . (ابن ماجه ، ص 82)

من انتهر صاحب بدعه ملاء ... قلبه امناو ایماناً : هر کس صاحب بدعت را توبیخ کند ، خدا قلبش را از ایمان پر می کند. (مجیدی خوانساری ، ص 91)

و البته موارد متعدد دیگر . (ر.ک . مجیدی خوانساری ، صص 91-90)

### 4- تبادل القاب و اوصاف و اسامی زشت

پیروان فرق اسلامی با تبادل القاب ناپسند، ضمن اینکه تخم کین در دلها می کارند ، زمینه ی را برای هر گونه خصومت و کینه کشی فراهم می سازند. و عکس العمل طرف مقابل را بر می انگیزد . ذکر القابی از قبیل رافضی ، ناصبی ، ... از همین نوع است .

## 5- تشدید و تکثیر اختلاف و تحریک احساسات

بازی نمودن با احساسات عامه مردم و گفتن سخنان مبالغه آمیز و دور از واقع در خصوص سایر فرق سبب انحراف اذهان و کدورت و بروز عکس العمل های نامناسب نسبت به برادران دینی می گردد. « امام خمینی (ره) : اینجانب تمام گرفتاریها و بدبختی های مسلمین و دولت های اسلامی را در اختلاف و نفاق بین آنان می دانم. » (نجمی ، ص 35)

## 6- علمای ضلال

عامه ی مردم در اختلاف کمتر دخیلند . علما و اندیشمندان هستند که عموم مردم را می توانند به جانب ائتلاف و محبت سوق دهند یا کینه کشی و خصومت . پیامبر اسلام . این نکته را بارها گوشزد می نماید :

انی اخاف علی امتی بعدی اعمالاً ثلاثه : زله عالم و حاکم جائرو هوی متبعا . ( مجیدی خوانساری ، ص 54)

ایتها الامه انی لا اخاف علیکم فیما لاتعلمون ولكن انظروا کیف تعلمون فیما تعلمون . ( همان ، ص 54)

اخاف علی امتی ائمه مضلین ان اطاعوهم فتنوهم . ( همان ، ص 56)

« روشن است که توده ی مردم ، تابع دانشمندان و مبلغان و گویندگان هستند ، اگر آنان همراه و همسو باشند و حقایق را به دور از تعصب و لجاج و عناد صرفاً به منظور ارشاد و هدایت بازگو کرده و بنویسند ، هرگز شکاف و بدبینی در جوامع پدید نمی آید ، اما چنانچه آنان خدای ناخواسته از روی تعصب و عناد سخن گویند و افرادی کینه توز و تشنت طلب باشند ، امیدی به اتفاق و اتحاد و اصلاح و رشد جامعه مسلمانان نخواهد بود

و امت اسلامی هرگز طعم گوارای وحدت را نخواهد چشید. (عطایی اصفهانی ، ص 15) در قرآن نیز در سوره آل عمران 105 و 106 و 19 و شوری 14 و... به این اصل اشاره گردیده است .

#### 7- گفته عوام را ملاک قرار دادن

به همان نسبت که سخن علمای گمراه می تواند عامه را بشوراند ، پیروی از عوام نیز فرو رفتن در وادی جهالت و گرفتار شدن در گرداب نادانی است .

#### 8- مغالطه ی ناشی از الفاظ مشترک

طبیعت زبان از جهت وجود الفاظ مشترک با معانی متعدد ، گاه سبب بروز اختلافات و سوء برداشت ها می گردد . این مورد در قرآن هم متجلی است . مثلاً در مورد و المطلقات یتربض با نفسهن ثلاثه قروء : در مورد کلمه ی «قرء» اختلاف کرده اند که به معنی طهر یا حیض گرفته اند . چنین اختلافی در خصوص «ظهار» در آیه والذین یظاهرون من نسائهم (نسا، آ 43) یا اختلافی که بین فقها در خصوص تفسیر آیه الزانیه و الزامی فاجلد واکل واحد منها مائه جلد (نور ، 2) وجود دارد . «یا اختلافی که در معنی ولی به معنی دوست یا رهبری و امامت می توان یافت» (واعظ زاده ، خراسانی ، ص 203) چنین اختلافی را می توان در کلام فقها و علما و بزرگان هم مشاهده کرد که بنا به یکی از دلایل زیر رخ می نماید :

- گاهی ممکن است فقیه و مجتهد به علت کثرت احادیث ، حدیثی را ندیده باشد . مثل بی اطلاعی ابوبکر از حکم سنت در مورد ارث بردن مادر بزرگ ، یا بی اطلاعی عمر در مورد استئذان .

- گاه فقیه حدیث را دیده اما به خاطر علل و خللی در اسناد آنرا نپذیرفته .

- برخی فقها در خصوص پذیرش حدیث واحد شروطی دارند که بقیه ندارند .
- براساس اندیشه ای خاص حدیثی را ضعیف بشماریم . مثلاً حجازیان احادیث عراقی یا شامی را نمی پذیرند .
- ممکن است حدیثی به او رسیده باشد اما آنرا از یاد برده باشد .
- گاهی کلمه ای مشترک یا مجمل یا احتمال هم معنای حقیقی و هم معنای مجازی را دارد ؟

#### 9- اختلاف وراثتی

گاه اختلافات بین مسلمین ناشی از اعتقادات گذشتگان و بازگشت آیندگان به عقاید کهنه و فرسوده است . قرآن ما را از این مسئله بر حذر می دارد . انتھنا ان نعبد ما یعبد اباونا ( هود، 62) قالوا یا شعیب اصلوتک تامرک ان نترک ما یعبد اباونا . ( هود، 87) اوامر الهی همچون « لا اکراه فی الدین » صرفاً به جهت آزادی آدمی در انتخاب راه خویشتن است . قرآن انتخاب دین را از آبا و اجداد زشت ترین نوع انتخاب دین قلمداد می کند . (اسکندری ، ص 371)

#### 10- اختلاف شعار و شعائر

گاه اختلافات جزئی در مراسم و مناسک و شعائر دینی سبب بروز اختلاف می گردد . اختلاف در مناسک حج یا تلاوت اذان ، نماز جماعت یا ... یا تفاوت در شعار فرق مختلف از قبیل : ... اکبر، لاحکم الا ... ، یا منصور امت ... (واعظ زاده خراسانی ، ص 203)

#### 11- تحزب و تعصب

ایجاد احزاب مذهبی و سیاسی و تعصب ورزیدن در حمایت از مذهب خاص یا ملیتی یا قومی آنهم به صورت ناشیانه و غیر منطقی امر پسندیده نیست ، مثل علم نمودن

ناسیونالیسم عربی . شیخ محمد غزالی « وحدت عربی منهای اسلام هیچ توفیقی نخواهد داشت . غرب منهای اسلام مساوی است با صفر ، چنانچه اسلامی در کار باشد این اتحاد هیچ ارزشی ندارد . (مبانی وحدت فکری مسلمانان ، 1383) اصولاً اسلام دین جهان مشمول و فراگیر است . خاص و حزب و کشوری نیست . قل یا ایها الناس انی رسول ا... الیکم جمیعاً . (اعراف ، 158) و بازگوید . ما ارسلناک الا رحمہ للعالمین . (انبیاء ، 107) یا نامه های پیامبر مکرم اسلام به سران کشورهای مختلف بیانگر فراگیر بودن دین اسلام می باشد . (جعفر سبحانی ، مبانی حکومت اسلامی ، ص 289) اصلاً شرف هر قوم و حزب با اسلام است . الاسلام یعلو لایعلی علیه . (خوانساری ، ص 34) شیخ محمد شلتوت این مورد را تذکر می گردد . (قمی ، ص 56)

## 12- هوی و هوس سیاست و ریاست

امر دین ، موضوعی احساساتی بر پایه هوس فردی نیست . « ماینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی . (نجم ، 3) از پیامبر اسلام هم وارد شده است که « اخوف ما اخاف علی امتی الهوی و طول الامل » .

## 13- جمع و خلط بیان دعوت به وحدت و حمایت از مذهب

متاسفانه گاه در محور وحدت انحراف روی می دهد از قبیل : 1- یکی از مذاهب اسلامی برگزیده و بقیه فرق اسلامی تنها از آن مذهب برگزیده تبعیت کنند . 2- مذاهب مختلف در یکدیگر ادغام شوند به این صورت که مشترکات تمامی مذاهب گرفته شود و مفترقات و اختلافها کنار گذاشته شود . 3- کنار گذاردن همه مذاهب موجود و بازگشت به طریقه « سلف صالح » یعنی شیوه ی مسلمانان و صحابه و تابعین قبل از شکل گیری مذاهب مختلف 4- ایجاد مذهبی جدید و کنار گذاشتن مذاهب موجود .

باید دانست که هیچ یک از موارد فوق هدف وحدت مذهبی و انسجام ملی نمی تواند باشد .  
بلکه وحدت در عین احترام گذاشتن به عقاید دیگران است .

#### 14- یاس از رسیدن به اتحاد

بزرگترین عاملی که می تواند در رسیدن به اهداف وحدت بخش مسلمین و ملت ما می تواند عامل بازدارنده باشد ، یاس و ناامیدی و اظهار ضعف در رسیدن به این مقصد است .  
نگرشی به سیر حرکاتهای وحدت بخش اما عقیم جهان اسلام می تواند آئینه ی تمام نمایی از حرکتهای مایوس و ارامت اسلامی دارد .

- 1- جمهوری متحده عربی ( مصر و سوریه ) 1958 سه سال دوام آورد.
- 2- اتحاد اردن و عراق 1958 یک روز.
- 3- اتحاد مصر ، عراق و سوریه 1958 اصلاً محقق نشد.
- 4- اتحاد مصر و سوریه 1963 بهم خورد.
- 5- اتحاد مصر و عراق 1963 دیری نپائید.
- 6- اتحاد مصر ، سوریه و اردن شش روز .
- 7- منشور طرابلس ( ناصر ، قذافی ، نمیری ) 1969 سرنوشت نامعلوم .
- 8- مصر و لیبی 1970 چند هفته فقط .
- 9- جماعیر عرب ( مصر ، سودان و لیبی ) 1971، بهم خورد .
- 10- لیبی و تونس 1974 بهم خورد.
- 11- سوریه و عراق 1978 یک هفته .
- 12- لیبی و سوریه 1980 نامعلوم.

13- مغرب بزرگ عربی (الجزایر، مراکش و تونس) 1983 هنوز شکل نگرفته .  
(وزارت ارشاد، ص 333)

این خود بهترین هشدار و رهنماست که در شیوه ی حرکت و انسجام مستحکم باید  
قدم برداشت و از حرکت های ناشیانه و ضعیف خودداری نمود.

#### 15- دسایس استعمار

این بحث خود فصلی مستقل می طلبد که براساس آن به اسرار حرکت های دشمنان و  
شیوه ی فعالیت آنها بیشتر پردازیم . ولیکن در این وجیزه به صورتی مجمل و  
تیتروار به سیر نفوذ غرب و اهداف آنها در راستای تقویت جبهه خود و تضعیف  
سنگر مسلمین می پردازیم . این همان خطری است که امام (ره) بارها متذکر می  
گردیدند: «چرا باید دولت های اسلامی با داشتن قریب یک میلیارد جمعیت و در دست  
داشتن ذخیره های زیر زمینی و برخورداری از تعلیمات حیات بخش قرآن کریم و...  
بخاطر دخالت استکبار در امور سیاسی و اجتماعی که اینگونه از هم پاشیده و ضعیف  
باشند. (نجمی، ص 35)

قبل از ورود به بحث اصلی این نکته را باید یادآوری نمود که ملت های اسلامی از بدو  
تاسیس مورد تهاجم و توطئه عوامل بیگانه خصوصاً غرب قرار داشتند . تکبر،  
تمامیت خواهی و ترس از اسلام و مسلمین و سوابق شکست های متعدد آنها را بر  
آن می دارد که هیچگاه دست از دسیسه بر ندارند . «اتحاد صلیبی ها از 490 هجری  
یکی از این اقدامات است که 8 بار در 200 سال حمله ور شدند ، حداقل صدمه اسلام  
و مسلمین از دست دادن سیسیل و اندلس در پی این تهاجمات است .» (هاشم زهی ،  
ص 593) «در گذشته طی چند مرحله همچون جنگ های صلیبی و حکومت های لائیک به

جنگ همه جانبه با اسلام و دین پرداخته شد. (قمی، ص 24) برای رسیدن به این هدف دشمنان به دو شیوه اقدام می نمایند. الف: اقدام غیر مستقیم ب: اقدام مستقیم

#### الف: اقدام غیر مستقیم

ایجاد، تحریک و تجهیز مشتی عناصر بی خبر و خود فروخته جهت ایجاد رعب و وحشت و ناامنی، ترور و ایجاد احزاب و گروههای مذهبی و تشویش به برادر کشی با شعار دین نمونه ای از اقدامات آنهاست که در طی این دهه های اخیر با موارد مختلف روبرو بوده ایم. وهابیت از مفاخرترین و خطرناکترین اقدامات آنهاست که البته آخرین آنها نخواهد بود.

#### وهابیت

«امروز وهابیت با صدها میلیون دلار به اشکال مختلف تقویت می شود. یک نمونه اش در عراق است. وهابیت دشمن شیعه است ولی اگر به مذاهب دیگر نوبت برسد نه حنفی باقی می گذارند و نه شافعی و نه مالکی.» (محسنی، ص 20) آنچه از این عقیده ی باطل (نسبت شرک به مسلمین) حاصل شده یعنی خون ها را مباح شمردن و عرض و آبروی را بردن و اموال آنها را غارت کردن و منفجر ساختن خانه ها و وسایل نقلیه و مراکز اداری و تجاری این اعمال و مانند آن به اجماع همه مسلمین حرام و گناه است زیرا سبب هتک حرمت نفوس و اموال است و امنیت و آرامش زندگی مردی را که در خانه ها و مراکز کار صبح و شام رفت و آمد دارند از بین می برد و مصالح عمومی جامعه را که بدون آن نمی توانند زندگی کنند بر باد می دهد.» (مکارم شیرازی، ص 177) فرقی از قبیل: باییت، بهائیت، قادیانی و... از همین دست

هستند.



یکی دیگر از راههای نفوذ استعمار بین ملل علی الخصوص ممالک اسلامی تربیت نسلی علمی از این کشور متناسب با فرهنگ و ایده خود است و گسیل کردن این جماعت استحاله شده به کشور رسالت است . را در سال های 6-85 تعداد دانشجویان مسلمان در آمریکا : لبنان 6940 ، عربستان 6900، کویت 3980 ، ترکیه 2640 و... ( اسکندری ، ص 391) ایجاد جریان روشنفکری در ایران برای دست یابی به اهداف استعمارگرانه در ممالک اسلامی است .

#### ب : اقدام مستقیم :

استعمارگران و جهانخوران به شیوه های مختلف نظامی ، صنعتی ، سیاسی ، فرهنگی به مانورهای مستقیم می پردازند که در مباحث قبلی روند مختصر این تهاجمات و تجاوزات را بر شمردیم . اما این دشمنان .

#### - صهیونیست ها

صهیونیسم که در دامان یهود و با شعار یهودیت پرورش یافته ، قوی ترین دشمن اسلام بلکه بشریت است و در آستین آن می توان دست کلیه ی دشمنان اسلام و ایران را می توان مشاهده کرد . اصولاً قوم یهود به لج بازی و سخت سری و ستیزه از ابتدا مشهور بودند . از مجادله های دائمی که با پیامبر شان حضرت موسی داشتند و سپس توطئه بر علیه حضرت عیسی و آنگاه دسیسه چینی بر علیه اسلام به گونه ای که گوشه ای از توصیف قرآن در خصوص این قوم اینگونه است . سرسخت ترین دشمنان ( مائده 88-

(82)

مغضوبین خدا (ممتحنه ، 13) دنیا طلبان حریص ( بقره ، 96) تکذیب کنندگان پیامبر ، کوران و کران (مائده 71-70) پیمان شکنان سیاه دل (نساء 154 و مائده 13)

دروغپردازان تحریف گر ، جاسوسان تفرقه افکن ، خورندگان حرام (مائده 43-44) فتنه انگیزان (آل عمران، 99) و ... گوشه ای از خصایص این قوم است . حال آنکه صهیونیست ها جماعت فتنه انگیز و حریصی هستند که حتی یهودیان واقعی هم از آنها اظهار تنفر می نمایند . این گروه تشکیلات و فلسفه خاص خویش را دارد و با حمایت همه جانبه استکبار ، متحد و یکپارچه بر علیه اسلام و مسلمین وارد عمل شده است . « انستیتوی جوانان طرفدار صلح خاورمیانه در سال 1974 تشکیل گردید و جانشین کمیته جوانان طرفدار صلح و دموکراسی در خاورمیانه شد . طی نامه ای در سال 1974 رئیس انستیتو «کارل گرش من» تاسیس انستیتو را اعلام و اظهار کرد که به نظر ما اسرائیل در میانه جدال بلند مدتی است برای بقای خود درک مسائل این کشور به خصوص برای کسانی که در آینده رهبران آمریکا خواهند بود ، ضروریست . او اعلام کرد که برنامه های آموزشی کمیته جوانان را ادامه خواهد داد تنها با یک تفاوت بزرگ و آن اینکه انستیتو سازمان خواهد بود . معاف از مالیات خود کسر نمائید و این امتیاز موجب امنیت مالی انستیتو خواهد شد . » (لی اوبرین ، ص 411)

« روزنامه یهودیت و صهیونیزم ، ایدئولوژی خود را اینگونه بیان می کند : تجزیه لبنان به پنج ایالت ، تجزیه مصر وزایل کردن قدرت مرکز آن ، تجزیه سوریه و عراق به دولتهای کوچک مذهبی یا قومی به نابودی کشاندن شبه جزیره عربی و به طور خلاصه انهدام تمام جهان عرب ، نقشه دقیق و منظم رهبران صهیونیستی را تشکیل می دهد ... (وزارت ارشاد ، ص 343)

اریل شارون 1981 : منافع استراتژیک اسرائیل به کشورهای عربی خاورمیانه ، مدیترانه و دریای سرخ محدود نمی شود . در دهه ی 80 این منافع باید به جهت امنیتی تا

کشورهای ترکیه، ایران، پاکستان مناطقی چون خلیج فارس و آفریقا خصوصاً شمال و مرکز آفریقا گسترش یابد. (وزارت ارشاد، ص 342)

فعالیت این گروه صرفاً نظامی نیست. «در جهان فعلی خطر صهیونیست علیه اسلام یک تهدید جدی است. این قوم در اندیشه تصرف فرات و نیل و تصرف مکه و مدینه هستند. این خطر فقط نظامی و سیاسی نیست بلکه پرورش نیروهایی از قبیل سلمان رشدی و ... برای تقویت بعد علمی و فرهنگی اسلام است.» (نجمی، ص 24) شاید بنابر همین کینه ورزی این قوم است که در قرآن آمده است: «یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود و النصری اولیاء بعضهم اولیاء بعض...» (مائده، 52)

#### انگلیس

استعمار پیرو پیشگام و جلودار نقشه های شوم و اختلاف انگیز بر علیه مسلمین. «رهبر انقلاب: من می خواهم این را بگویم در این کار انگلیسی ها از بقیه دشمنان استعماری متبحرترند. در ایران، ترکیه و کشورهای عربی و در شبه قاره هند اینها سالها زندگی کرده اند و با رموز کار آشنا هستند که چگونه می شود سنی را علیه شیعه و شیعه را علیه سنی تحریک کرد.» (رهنمودها، ص 16)

نمونه ای از سیاست های آنها این نظر جان گراو است. «من حداقل دو سناریو و برنامه را که می توانند منجر به هرج و مرج شده به سقوط تدریجی بیانجامد در نظر دارم. یکی نیروهای تمرکز یافته که توسط نارضایتی های منطقه ای و قومی تحریک شده باشد و اگر با اینها به اندازه کافی به طرز غلطی روبرو شوند ممکن است باعث تعطیل شدن و بسته شدن مناطقی نفتی گردند. نفاق در مدارس بین محصلین و بین کادرهای مدارس. (علوی، ص 179). اینها نمونه ای از راهکارهای این دشمن قدیمی اسلام است. این کشور

در ایران هم سابقه ی حضور دارد. «ارتباط ایران با کشورهای اروپایی و همچنین کشورهای همسایه از طریق روابط سیاسی و بازرگانی از عصر صفوی قوت گرفت. هر یک از دول اروپایی سعی می کردند با علایق مشترکی مانند تجارت با ایران یا تضعیف دولت عثمانی و با اتحاد با ایران باب روابط را بگشایند. در این میان انگلستان با تاسیس شرکت انگلیسی مسکوی ورود نماینده ی آن دولت آنتونی چنکینسون به ایران در سال 968 ق فتح باب کرد و سپس با تاسیس شرکت انگلیسی هند شرقی و ورود نماینده ی آن ادوارد کاناک به ایران در سال 1026 ق ودایر کردن نمایندگی در بندر جاسک و شهرهای شیراز و اصفهان وارد مرحله جدیدی شد. (شعبانی، ص 180) مستر همفر، جاسوس انگلیسی دقیقاً به مبارزه با مذهب و مراکز مذهبی، گسترش تروریسم بین مسلمانان و ... اشاره کرده است. (اسکندری، ص 387)

این دشمنان در حالی در فکر توطئه و تفرقه بین ملت مسلمان و مملکت ایران هستند که خودشان روز بروز بر وحدت و انسجام خودشان می افزایند. پولشان واحد اقتصاد واحد، مذهب واحد و ... در حالیکه «با کمال تاسف برخی از سران کشورهای اسلامی برای انتقام از کشورهای اسلامی دیگر با آمریکا و اسرائیل همکاری می کنند. حضرت علی هم از سستی یارانش در برابر هجوم دشمن همین گله را می کرد.» (غزالی، مبنای وحدت فکری، 1383)

### آمریکا:

آمریکا با شعار مسیحیت و مبارزه با تروریسم کشورهای اسلامی را عرصه جولان قرار داد و با ایجاد شکاف در بین مسلمین هر روز زمینه نفوذ خود را بیشتر فراهم می کند. در هملن روزهای آغاز جنگ سرد در سال 1992 م ولفو ویتس طراح و استراتژیست

معروف در زمان بوش پدر و معاون وزیر دفاع در دولت بوش پسر ... بیان کرده : « ایالات متحده آمریکا باید نظم نوین جهانی را بر پا و رهبری کند و برای محافظت از آن باید به رقبای بالقوه خود تفهیم کند که حتی هوس رقابت با آمریکا و ایفای نقش بزرگتر در منطقه یا جهان را در سر نپرورانند ... برای رسیدن به چنین هدفی ، تجدید حیات نظامی آمریکا بسیار ضروری است .»

آرتور اچ واندربورگ در رابطه با توسعه طلبی همه جانبه آمریکا در نیم قرن اخیر می گوید : « ما سیاست سنتی 150 ساله اخیر آمریکا را شکسته ایم . ما نطق خدا حافظی واشنگتن را کنار گذاشته ایم . ما خویشتن را در سیایت و جنگهای قدرت آسیا ، اروپا و آفریقا کاملاً در گیر کرده ایم . ما در راهی گام گذاشته ایم که هیچ راه بازگشت از آن وجود ندارد.» (لاون، جان) این همان سیاستی است که امروز قصد تجزیه عراق ، افغانستان ، ... و حمله به ممالک اسلامی به عنوان بزرگترین نیروی مقاوم در برابر جاه طلبی آمریکا دارد.

### مرزهای جغرافیایی :

نمونه ای از دسایس استعمار است که به نوعی وحدت و انسجام و اتحاد امم اسلامی و حتی یک کشور را در هم ریخته است . به قول غزالی : این مرزهای ساختگی به هیچ دولت کوچکی اجازه کمک به دیگری را نخواهد داد.» استعمارگران در انتخاب مرزها چند نکته را لحاظ قرار داده اند .

الف : مرزهای ناپایدار و در حال نوسان انتخاب کرده اند تا امکان مجادله و مناقشه دائمی بین ملل اسلامی وجود داشته باشد . مثل مرز هیرمند در سیتان ، مرز آبی ایران و عراق در غرب .

ب: در انتخاب محور مرزی به گونه ای عمل نموده اند که یک قوم را به دو قسمت تقسیم نموده اند. بخشی از آنها در یک کشور و بخش دیگر در کشور دیگر تا امکان نفوذ، سوء استفاده و تبادل اطلاعات و دشواری کنترل مرز و احتمالاً ادعای استقلال و یکی شدن مناطق مرزی و مبارزه با حکومت مرزی وجود داشته باشد. مثل مرز بلوچستان ایران و پاکستان، سیستان در ایران و افغانستان، ترکها ایران و آذربایجان و ترکیه، کردهای ایران و عراق.

ج: تحریک و تشویق و تجهیز مناطقی مرزی با عنایت به ویژگی های خاص مذهبی و قومی برای مبارزه با حکومت مرکزی و ادعای استقلال و اتحاد با بخش مقابل در کشور دیگر.

## فصل دوم :

### عوامل اتحاد

#### ضرورت اتحاد

در فصل قبل به عوامل ایجاد تفرقه و آسیب ها انسجام ملی و مذهبی پرداختیم اکنون با

عنایت به اینکه

جان و گرگان و سگان از هم جداست متحد جان های شیران خداست (مولوی)

و اینکه وحدت قلبی و باطنی امت اسلامی با قومیت و تخریب و تعصب از بین نمی رود .

امر حق را حجت و دعوی یکی است خیمه های ما جدا دل ها یکی است

از حجاز و چین و ایرانیم ما شبنم یک صبح خندانیم ما (اقبال لاهوری)

چرا که عالی ترین نوع وحدت و انسجام وحدت عقیده و فکر است . « اسلامی ، وحدت

حقیقی در اجتماع و میان گروههای گوناگون تنها در صورت وحدت فکر وارده عقلانی

محقق می شود ، بنابراین ملت و جامعه اسلامی عبارت است از مجموعه گروههای

مختلفی که بر اساس عقیده و فکر واحد ، زندگی مشترک و هماهنگ و قانون واحد را برای

تنظیم حیات اجتماعی و فردی خود انتخاب کرده باشند .» (زنجانی ، ص 8)

بر این اساس ، برقراری انسجام و اتحاد بین ملل اسلامی و ممالک دینی با عنایت به خطر

دشمنان ضرورت بیشتر پیدا می کند . « به مقتضای آیه شریفه 103 آل عمران ... باید

همواره مسلمان در کنار مسلمانان باشد هماهنگ و با هم به ریسمان الهی اعتصام جویند

و هرگز از اتحاد و اتفاق و همدلی که نعمت ویژه الهی و منشا رسیدن به کمال نهایی است غفلت نکنند و از خطر اختلاف و دشمنی با همدیگر که همانند حرکت در لبه پرتگاه و گودال آتش است، غافل نشوید.» (عطایی اصفهانی، ص 14)

اتحاد و انسجام اصلی است که در قرآن سیره ی نبوی و کلام علوی و زندگی صحابه کرام قابل مشاهده است و اینهمه سفارش و رفتار عملی خود بهترین و دلیل برای نزدیک شدن هر چه بیشتر مومنین و مسلمین به یکدیگر است. قبل از پرداختن به این بحث لازم به ذکر است که وحدت ممکن است به یکی از طروق زیر حاصل گردد .

الف : همانندی نژادی و همخونی است . (اساس وحدت عشیره ای )

ب : همزبانی (ناسیونالیسم عربی عبدالناصر)

ج : همبستگی اقتصادی

د: اتحاد سیاسی (اتحاد جماهیر شوروی ، اتحادیه شیخ نشین های خلیج فارس )

ه : اتحاد در مذهب و عقیده که این بهترین و پایدار ترین عامل انسجام و اتحاد است .

### 1- اتحاد و انسجام در قرآن

قرآن کریم که تجلی کلام حق متعال است ، بارها ما را به انسجام و یگانگی فرا می خواند . بارز ترین دعوت این است که : واعتصوا بحبل... جمیعا و لا تفرقوا... اذا کنتم اعداء

فالف بین قلوبکم فاصبحتم نبعتمه اخوانا . (عمران 103) قرآن انسجام ما را بر گرد حبل

الهی بهترین اجتماع می داند . اما این حبل چیست ؟

در حدیث آمده : کتاب... هو حبل... الممدود من السماء الی الارض . تفسیر المنار هم

حبل را به همین مفهوم کتاب گرفته است (عبده ، ج 4 ، ص 20) فرات بن ابراهیم کوفی یکی



از علمای حدیث قرن سوم گوید: اعرابی از پیامبر در مورد آیه پرسید، پیامبر فرمود: انا نبی ا... و علی حبله. (علوی، ص 55)

علی بن ابرهیم قمی منظور حبل را توحید و ولایت می داند. قرطبی کتاب قرآن میداند و ابن مبارک، آنرا جماعت می داند. (همان، صص 55-56)

تفاوتی در اصل انسجام و جمع شدن مسلمین برگرد یکدیگر در هیچ یک از تفاسیر نهفته نیست و اختلاف مصادیق خدشه ای به اصل وارد نمی نماید. قرآن اتحاد مسلمین را هماهنگی و وحدت کبری می داند و حتی به وحدت کلیه رسالت ها فرا می خواند. (والمومنون کل آمن با... و ملائکته و کتبه و رسله لا تفرق بین احد من رسله. « (بقره، 285) و باز می فرماید: « انما المومنون اخوه فاصلحوا بین اخوایکم و اتقوا... لعلکم ترحمون. و همه یک رنگ بگیرند: « صبغه ا... و من احسن من ا... صبغه » (بقره، 138) و همه یک معبود بگیرند. « نحن له عابدون » و با یکدیگر تعاون و همکاری داشته باشند. « و المومنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض » و همچنانکه از این آیه استنباط می گردد خاص جنس محدود نیست. در آیات 10 و 29 حجرات و 100 تا 107 آل عمران و 46 انفال تاکیدات مشابه بر وحدت مومنین دارد.

از طرف دیگر، به وحدت مسلمین به گونه ی ویژه می پردازد. از قبیل: « شما ای امت اسلامی، بهترین امت ها هستید که به سود و نفع انسانها آفریده شده اید، مادامی که امر به معروف و نهی از منکر نمائید و به خداوند ایمان آورید. » (حجرات، 13)

قرآن متذکر شده است که این اتحاد و انسجام در حالی در بین مومنان ایجاد شده است که قبل از اسلام آوردند در توحش و جهالت و مکاوحت زندگی می گذراندند. از الفت دور و از کینه سرشار بودند و از صراط مستقیم فاصله داشتند. (انفال، 63) حال اگر اضافه

نمائیم بر این آیات که علاوه بر دعوت به اتحاد، از تفرقه ها را بر حذر می دارد، با تعداد زیادی از آیات روبه رو می شویم که بیانگر اهمیت موضوع است.

## 2- حدیث نبوی

پیامبر اسلام که خود بهترین الگوی وحدت بخش مسلمین است بارها ما را به اتحاد و انسجام فرا می خواند و از جدائی بر حذر می دارد و مومنان در دوستی و رحمت و عطف به یکدیگر مانند اعضای پیکر انسانند، هرگاه عضوی رنجور و درمند گردد، اعضا دیگر هم از بیدار خوابی و سوزش تب متأثر می گردند. « (نجاری، ص 32، مسلم، ص 66) در جای دیگر می فرماید: کسی که یک وجب از جماعت مسلمین کناره گیر مرگش در حال جاهلیت است. (مصطفوی، ص 121)

جماعت را سعادت می شمارد: «و الجماعة خیر و الفرقه عذاب» (علوی، ص 179) برای اینکه اهمیت اتحاد و انسجام امت اسلامی را یادآور شود، این تمثیل زیبا را ذکر می کند: «شیطان گرگ آدمی است و گرگ هم تنها گوسفند جدا شده از گله را می خورد یا در حدیث دیگر می فرماید: پایبند جماعت باشید، زیرا شیطان قرین تنهایی است و از دو نفر (جماعت) دورتر است. (هاشم زهی، ص 598)

## 3- سیره عملی پیامبر

از آنجائیکه پیامبر اسلام نماد کامل انسجام و اتحاد است. لذا در مراحل مختلف و به اشکال گوناگون، اقدامات وحدت بخشی را انجام می دهند، نمونه ای از این اقدامات موارد زیر است.

1- بر پا داشتن نماز به جماعت (طبری، ج 2، ص 56)

2- دعوت مسلمین در خانه ارقم و تشکیل جماعت سه سال بعد از بعثت

- 3- اجتماع مسلمین در ورود به شعیب ابی طالب
  - 4- هجرت دسته جمعی به حبشه
  - 5- ملاقات با نمایندگان مدینه در عقبه منی و بستن پیمان «حرب الاحمر»
  - 6- رفتن به مدینه بر پا داشتن نماز و بنای مسجد قبا
  - 7- ساختن منزل و اختصاص آن برای مسجد و نماز و اصحاب صفا و مقرر کردن اذان به عنوان ندای وحدت
  - 8- نخستین منشور اساسی برای مجتمع اسلامی
  - 9- اتحاد بین مهاجر و انصار
  - 10- بر پا داشتن حج (7 سال بعد از هجرت) عمره القضاء
  - 11- فتح مکه و رفتار مسالمت آمیز و ایجاد وحدت
  - 12- حجه الوداع و اجتماع عظیم مسلمانان
  - 13- وصلت پیامبر با قبایل مختلف (مثل ازدواج با حفصه ، ام سلمه ، سوده )
  - 14- شوری (مدیر شانه چی ، صص 99-100)
- سیره ی عملی صحابه جهت ایجاد انسجام**

- 1- پس از استقرار خلافت خلیفه اول ، اجتماع جمعه و جماعات مسلمانان (جز سعد بن عباده ) برگزار می شد.
- 2- در احکام دینی اگر نمی دانستند به دیگری مراجعه نمی کردند
- 3- در مسایل مهم سیاسی جز با نظریه شورای کاری فیصله نمی یافت (جنگ با رومیان که حضرت علی خلیفه را از حضور شخصی بر حذر داشت).
- 4- مشاوره توسط صحابه در امور اجتماعی بلکه در موضوعات شخصی.

- 5- مصاهرت و پیوند ازدواج بین صحابه (مدیر شانه چی ، ص 106)
- 6- شادمانی عمر هنگام ضرب خوردن توسط غلام مغیره از اینکه ضارب مسلمان نیست ، مبادا این سبب تفرقه گردد . (بخاری ، در مقتل عمر).
- 7- در جنگ جمل به مژده دهنده قتل زبیر ، حضرت علی (ع) فرمود : قاتل ابن صفیه فی النار. آنرا سبب تفرقه و تشتت آرا می دانست .
- 8- باز گرداندن محترمانه عاشیه و عفوعبدا... بن زبیر و مروان حکم برای حفظ آرامش و انسجام
- 9- قیام اهل مدینه پس از شهادت امام حسین و گریختن مروان و خاندان و پناه بردن به خانه ی علی بن حسین و پناه دادن به وی (مدیر شانه چی ، ص 108) و موارد متعدد دیگر
- هر چه از صدر اسلام فاصله می گیریم ، حرکات وحدت آفرین و انسجام بخش کمتر و آسیب های تفرقه بیشتر می گردد.

### محورهای انسجام بخش

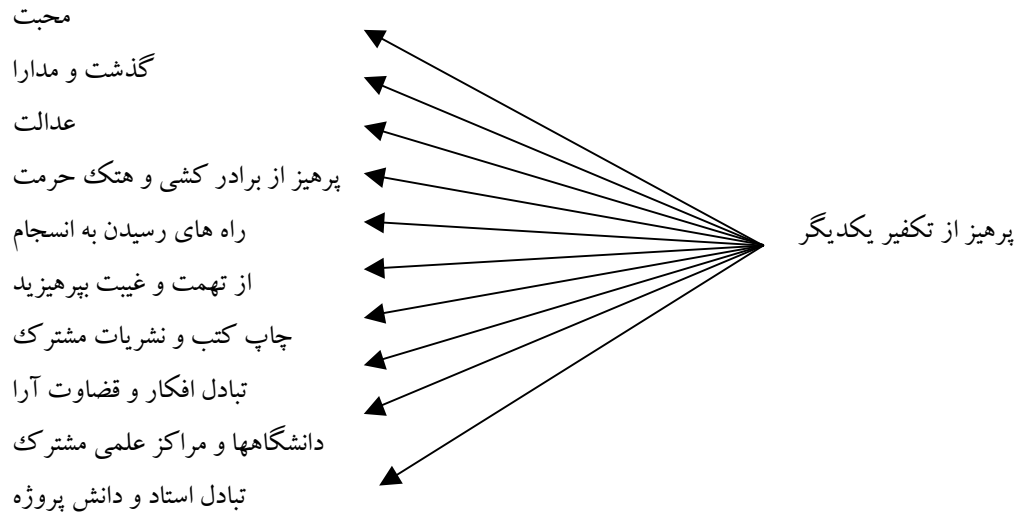
مسلمین برای رسیدن به وحدت دستاویزهای مختلفی دارند که به نمونه هایی از آنها اشاره می گردد.

- 1- یکتا پرستی و یکتاگرایی : از نظر اسلام ، توحید و پای بندی به اصول و اندیشه های برخاسته از اعتقاد به خدای یگانه ، زمینه ی وحدت و یکپارگی مردم را به مفهوم انسانی کلمه فراهم می کند. « (عسکری ، ص 1361)
- 2- یگانگی شریعت و آیین کتاب
- 3- وحدت رهبری : اطیعوا... و اطیعوا الرسول و اولی امرمنکم . (نساء ، ص 59)

- 4- وحدت هدف : همان هدایت به سوی خداوند و خیر است .
  - 5- مسجد و اقامه نماز جماعت و جمعه
  - 6- حج
  - 7- ابعاد جهانی اسلام : ندای قرآن همواره عمومی است « ای مردم » به مسلمین امت  
اطلاق می گردد ، در کتب فقهی دارالکفر و دارالسلام گویند.
  - 8- حریت و برادری اسلام : انما المومنون اخوه
  - 9- مبارزه با دشمن مشترک و استعمارگران
  - 10- اشتراکات فراوان مذاهب بزرگ اسلامی
  - 11- چشم پوشی کردن از اختلافات جزئی و لفظی
- فواید اتحاد و انسجام :**

- 1- تحقق آرمان بزرگ و واحد اسلام برای تغییر و تحول وضعیت موجود « امت  
واحدہ اسلامی »
- 2- همکاری و گفتگوی مثبت با کلیه مذاهب اسلامی
- 3- ترویج اسلام و حمایت از اسلام
- 4- تایید و نصرت خداوند
- 5- بازگشت مجد و عظمت مسلمین و پیروزی بر دشمنان اسلام
- 6- کسب استقلال اسلامی
- 7- آسیب ناپذیر شدن مسلمین

## راههای رسیدن به انسجام در جامعه کنونی



## الف : محبت مسلمین نسبت به یکدیگر

در این باب آنقدر حدیث و روایت وارد گردیده است که تمام آنها قابل ذکر نیست . به عنوان نمونه پیامبر اسلام : کاخهای سر به فلک کشیده بهشت شایسته کسانی است که در راه خدا با یکدیگر دوستی می ورزند . (شرف الدین ، ص 19) پیامبر اسلام : سوگند به آن خدایی که جان من در اختیار اوست هیچ بنده ای مومن نخواهد شد مگر آنکه دوست بدارد برای برادر خود آنچه را برای خود دوست دارد . (همان ، ص 17) حضرت علی : بر شما باد دوستی با برادران دینی که آنان هم در دنیا و هم در آخرت کمک خواهند بود . (همان ، 21)

امام صادق : مسلمانان برادر مسلمان است . او برای برادرش چون دیدبان و آینه و راهنما است . هرگز بوی خیانت نکرده با او خدعه نمی کند ، ستم بر او روا ندارد ، وی را تکذیب نکرده ، غیبتش را جایز نمی شمرد . (همان ، ص 18) و موارد دیگر .

**ب - گذشت و مدارا**

پیامبر اسلام می فرماید : خداوند به دل‌هایتان نگاه می کند ، کسی که قلب صالحی دارد ،

خداوند به او لطف می کند . ( قرطبی ، ج 16 ، ص 342 )

حضرت باقر : در روز قیامت ندا دهند همسایگان خدا کجایند ، گروهی برخیزند که به

خاطر خدا با یکدیگر دوستی می کردند و بذل و بخشش و دید و بازدید می نمودند .

شرف الدین ، ص 20 ) پیامبر اسلام : ان احسن الحسن الخلق الحسن . ( مجیدی

خوانساری ، ص 22 )

**ج - عدالت**

در قرآن مجید در آیات 8 مائده ، 152 انعام ، 90 نحل و ... به اصل عدالت محوری

مسلمین توجه گردیده است . پیامبر اسلام می فرماید : عدل ساعه خیر من عباده سبعین

سنه قیام لیلها و صیام نهارها . ( طبرسی ، ص 544 )

**د - پرهیز از برادر کشی و هتک حرمت**

پیامبر اسلام بارها ما را از هتک حرمت ، تجاوز به حریم سایر مسلمین و قتل آنها بر

حذر کرده است . از جمله در حجه الوداع فرمودند : خون و مال و شرف شما بر شما

حرام است ، مانند حرام بودن امروز در این ماه . در جای دیگر فرموده است : همه چیز

مسلمان بر مسلمان حرام است . خون و مال و شرفش . ( هاشم زهی ، ص 592 ) همچنین

فرموده است : « خون مسلمان با هم مساوی است ، کوچکترین آنها مسئولیتشان را ادا

می نماید و دورترینشان را پناه می دهند و آنان با یکدیگر متحد و یکپارچه می باشند . »

نقل است وقتی پیامبر (ص) معاذ بن جبل را به یمن فرستاد ، سفارش کرد اگر اسلام

آوردند ، هرگز متعرض آنها نشود . ( شرف الدین ، ص 31 )

اسامه بن زید در واقعه حرقه می گوید : چون شخصی از ترس نیزه من کلمه شهادتین گفت ، من او را کشتم . پیامبر از او پرسید : تو او را کشتی پس از اینکه به یکتایی خدا شهادت داد ؟ آنقدر این جمله را تکرار کرد که من آرزو کردم ای کاش قبلا مسلمان نشده بودم . ( همان ، ص 32 )

مقداد بن عمر از حضرت رسول پرسید اگر در جنگ کافری یک دست مرا قطع کرد ، سپس کلمه شهادتین گفت ، تکلیف چیست ؟ پیامبر گفت : او را نکش . ( بخاری ، باب اعزام علی و خالد به یمن ) همچنین در صحیح مسلم و مسند احمد بارها به این مطلب اشاره شده است .

وقتی عمر ، خلیفه دوم توسط غلام مغیره ، ضربت خورد ابن عباس گفت :

مایلی آنانرا ( قاتلین ) را بکشیم ؟ عمر گفت : وقتی شهادتین را به زبان آوردند و رو به قبله نماز خواندند و حج به جا آوردند ، دیگر چگونه آنها را می کشید . ( شرف الدین ، ص 36 )

#### ر - پرهیز از تکفیر یکدیگر

کافر خواندن برادر دینی از دیدگاه پیامبر اسلام و سایر ائمه دین بسیار ناپسند تلقی گردیده است . در حجه الوداع می فرمایند :

بعد از من به طرف کفر برنگردید ، به شیوه ای که بعضی دیگر را بزنند و می فرماید : هرگاه مسلمانی به مسلمان دیگر گفت : ای کافر این کلمه به یکی از آن دو برمی گردد . ( هاشم زهی ، ص 593 ) در خصوص حیطة ی مسلمانی رسول خدا می فرماید :

کسی که یکتایی خدا را گواهی کند ، قبله ی مسلمانان را قبله خود قرار دهد ، همانند آنان نماز بگذارد و از گوشتی که آنان پاک و حلال می دانند ، بخورد مسلمان به شمار می رود



و از مزایای اسلام بهره مند شده ، مشمول وظایف مسلمانی خواهد شد . ( شرف الدین ، ص 25 ) از آنجائیکه در مباحث قبلی به این موارد پرداختیم از تکرار آنها پرهیز می نمائیم.

**ک - از تهمت و غیبت و خصومت نسبت به هم پرهیزید .**

امام موسی کاظم (ع) : مومن چون برادر پدر و مادری مومن است از رحمت الهی دور باد کسی که به برادر خود تهمتی بزند و با او به دورویی رفتار کند از رحمت الهی دور باد کسی که برادر دینی خود را نصیحت نکند ، خود را بر او ترجیح و یا از او غیبت کند .

( اصول کافی ، ج 2 ، ص 301 )

**گ - چاپ کتب و نشریات مشترک**

**ل - تبادل افکار و تضارب آرا**

**م - دانشگاهها و مراکز علمی مشترک**

**و - تبادل استاد و دانش پژوه**

## مشخصات منابع:

- 1- ابن ماجه، سنن، محمد فواد الباقي، دارالفکر.
- 2- احمد، محمدرضا، فصلنامه پیام، ش 78، مسأله قوام گرایی و امنیت ملی در ایران.
- 3- اسکندری، علی اکبر، راههای مبارزه با توطئه ی استکبار، کمیسیون اجتماعی هجدهمین همایش علمی - تحقیقی مذاهب اسلامی، زاهدان، 1385.
- 4- امام خمینی (ره)، کتاب وحدت، وزارت ارشاد اسلامی، اول، 1362.
- 5- ایجی، عضدالدین، مواقف.
- 6- تئولوگ، کام، آمار زبانهای رایج ایران، 1997.
- 7- بخاری، صحیح.
- 8- حجازی، محمد محمود، الوحده الموضوعیه فی القرآن، دارالکتب الحدیث، مصر، 1390.
- 9- حلبی، علی اصغر، تاریخ تمدن اسلامی، اساطیر، دوم، 1385.
- 10- حمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، حقوق و تعهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام، انتشارات سمت.
- 11- خامنه ای، سیدعلی، رهنمودهای ولایت، معاونت فرهنگی قرارگاه شهید میرحسینی، چاپ قدس، اول، 1386.
- 12- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، محمدسید گیلانی، مکتبه المرتضویه، طهران، بی تا.
- 13- رفیعی، علی، فصلنامه پیام، ش 79، قومیت در اندیشه و رفتار پیامبر اکرم (ص).
- 14- سبحانی، جعفر، در ساحل تقریب، نشر مشعر، چاپ اول، 1379.
- 15- سبحانی، جعفر، مبانی حکومت اسلامی.
- 16- شرف الدین، عبدالحسین، در راه تفاهم، آزادی، قم.
- 17- شعبانی، رضا، تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران در دوره های افشاریه و زندیه، سمت، چهارم، 1381.
- 18- صانعی، سیدمهدی، کتاب وحدت، وزارت ارشاد اسلامی، اول، 1362.
- 19- طبرسی، علی، مشکاه الانوار، مهدی هوشمند، دارالحدیث، 1418.
- 20- طبری، تاریخ، مطلبه الاستقامه بالقاهره، 1358-1939م.

- 21- عبده، محمد، تفسیر المنار، سیدمحمد رشیدرضا، دارالمعرفه، لطبعه  
الثانیه، بیروت.
- 22- عسکری، مرتضی، در راه وحدت، واحد تحقیقات اسلامی، بنیاد بعثت،  
اول، 1361.
- 23- عطایی اصفهانی، چرا؟ چرا؟، ناشر امیرالعلم، 1383، قم.
- 24- علوی مقدم، محمدعلی، کتاب وحدت اسلامی، وزارت ارشاد اسلامی،  
اول، 1362.
- 25- عماره، محمد، رساله التقرب، العدد الحادی و الثلاثون، دوره الثامنه،  
محرم، ربیع الاول، 1422 هجری / 200م.
- 26- غزالی، محمد، مبانی وحدت فکری، فقهی، فرهنگی مسلمانان، مترجم  
عبدالعزیز سلیمی، نشر احسان، اول، 1383.
- 27- قمی، محمدتقی، منادیان تقرب مذاهب از نظر تا عمل، نشر ادیان، اول،  
1386، قم.
- 28- کلینی رازی، محمدبن یعقوب، الفروع من الکافی، علی اکبر غفاری،  
دارالکتب الاسلامیه، سوم، 1367، تهران.
- 29- لی اوبرین، سازمانهای یهودیان آمریکا و اسرائیل، مترجم ناصری،  
مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور، اول، 1369.
- 30- متقی، علی ابن حسام، کنز العمال، مؤسسه الرساله، 1372، بیروت.
- 31- محسنی، محمدآصف، تقرب مذاهب از نظر تا عمل، نشر ادیان، اول،  
1386، قم.
- 32- مجیدی خوانساری، غلامحسین، نهج الفصاحه، انصاریان، سوم، 1385،  
قم.
- 33- مدیر شانه چی، کاظم، کتاب وحدت، وزارت ارشاد اسلامی، اول، 1362.
- 34- مسلم، صحیح، شرح الامام النووی، دارالفکر، بی تا.
- 35- مصطفوی، سیدجواد، کتاب وحدت، وزارت ارشاد اسلامی، اول، 1362.
- 36- مکارم شیرازی، وهابیت بر سر دو راهی، انتشارات مدرسه امام علی  
ابن ابیطالب، چهارم، 1385.
- 37- موسوی عاملی، شرف الدین، وحدت امت اسلامی، ترجمه : احمد صادقی  
اردستانی، نشر حازق، قم، 1362.

- 38- میر جعفری، حسین، تاریخ تیموریان و ترکمانان، دانشگاه اصفهان،  
1381.
- 39- نجمی، محمدصادق، تجلی وحدت، نشر مشعر، چاپ چهارم، بهار، 1385.
- 40- واعظ زاده خراسانی، محمد، کتاب وحدت، وزارت ارشاد اسلامی، اول،  
1362.
- 41- وزارت ارشاد اسلامی، صهیونیسم دشمن وحدت مسلمین، کتاب وحدت.
- 42- هاشم زهی، مولوی نبی بخش، کمیسیون اجتماعی هجدهمین همایش  
علمی - تحقیقی مذاهب اسلامی، زاهدان، 1385.